کارنامه سیاه نظام مافیائی آخوندها
تاراج و غارت ثروت ملی ایرانیان جنایت ، فقر ، رانت خواری ، خودکشی ، اعتیاد ، گسترش فساد ، فاصله عظیم طبقاتی و اجتماعی در ایران ، حراج ذخایر نفتی و گازی ، افزایش حجم نقدینگي در اقتصاد بیمار کشور ، گرانی قیمت ها ، واردات کالاهای بنجل و مصرفی و وضعیت بازار مسکن در ایران .....

۰۷/۰۳/۱۳۷۸ -

وای بر ما

جمیله کدیور

مکتوب:این روزها گاهی خبری را می خوانی و یا می شنوی که تا عمق جان می لرزی و تو که می بینی و می شنوی هیچ کاری از دستت برنمی آید و آنها که کاری از دست شان برمی آید، یا نمی بینند یا نمی شنوند یا...
فقر چه ها که نمی کند این روزها. از خودکشی دسته جمعی اعضای یک خانواده، از قتل سایر اعضای خانواده، از خودفروشی تا فروش سایر اعضای خانواده تحت هر عنوان،از فروش کلیه یا سایر اعضای قابل فروش، از...
خبری دیدم به نقل از یک کارمند سازمان ملل در مشهد در تشریح حال دختری ۱۹ ساله با ۷ شوهر. دختری که توسط پدر معتادش به یک مرد افغانی به ۷۰۰۰۰۰ تومان فروخته شده و مرد افغان که خود قادر به تامین همه پول نبوده ، با ٦ نفر دیگر در تامین هزینه، شریک شده است و این دختر بخت برگشته هر شب قسمت یک همسر است.
نمی دانم در یک مملکت اسلامی که برای همه دنیا نسخه صادر می کند و از رسیدگی به وضعیت شهروندان خود ناتوان است، در این یک نمونه کوچک چه فرد یا نهاد و ارگانی مسئول است.
وای بر ما اگر ببینیم و بشنویم و سکوت کنیم و بر آنچه در ایران بر هموطنان مان می رود، اعتراض نکنیم.

گزارشی از خودکشی سه کارگر ایراني

روزنامه کارگزاران در گزارشی با عنوان "چشم‌های بازمانده در گور"، به بررسی چندین مورد خودکشی در میان کارگران پرداخته است.

اسماعیل محمدولی می‌نویسد: در این گزارش خودکشی سه کارگر را روایت می‌کنم. هر کدام از این وقایع با فواصل زمانی و در نقاط مختلف کشور رخ داده‌اند و در زمان خود به صورت گزارش‌های مستقلی منتشر شده‌اند. حالا پس از گذشت سال‌ها با مدد گرفتن از حافظه و نوشته‌های قدیمی سعی می‌کنم آنها را در آلبومی کنار هم بچینم و از میان‌شان تصویری مشترك نمایش بدهم. آنچه به عنوان «تصویر مشترك» برای روایت انتخاب کرده‌ام نشان می‌دهد که این سه کارگر (در حکم نمونه) ماه‌ها بدون حقوق و در فقر کامل زندگی کرده‌اند، گرسنگی کشیده‌اند و شاهد رنج عزیزان‌شان بوده‌اند اما فقط وقتی تصمیم به خودکشی گرفته‌اند که وجود انسانی‌شان را در خطر نابودی دیده‌اند. شرم مثل عصب است. وقتی هنوز بدن را به واکنش وامی‌دارد یعنی بدن زنده است. شرم از مهمانان غریبه، شرم از دختربچه هفت ساله‌ای که شوق خریدن روپوش مدرسه را دارد، شرم از دیدن پینه‌های دست فرزند، شرم از پسر سربازی که به خاطر کرایه ماشین هشت ماه به مرخصی نیامده و حتی حقوق ناچیز سربازی‌اش را هم برای خانواده‌اش می‌فرستد. اینها نهایت طاقت انسانی است که شرم را می‌شناسد. از این مرز جلوتر رفتن، انکار جایگاه انسانی است. این مرز را باید با معیار شرافت شناخت. در این گزارش از خودکشی این مردان شریف دفاع نمی‌کنم، اما می‌کوشم آن را درك کنم.

تصویر اول؛ وقتی به کارخانه نساجی رسیدم دو ساعتی می‌شد که جنازه‌اش را از طناب دار جدا کرده بودند. کسی، شاید یکی از همکارانش بالاخره او را به بیمارستان رساند. همه می‌دانستیم که مرده است. سرش تقریبا از بدنش جدا شده بود و تنها به نسوج گردنش وصل بود. اما همکارش اصرار داشت که او را به بیمارستان برساند. من اطراف سوله‌ای خالی که کارگر ٤٠ ساله نساجی خود را حلق‌آویز کرده بود با معدود کارگرانی که از تعدیل نیرو باقی مانده

بودند صحبت می‌کردم. این کارگران را پس از تعطیلی کارخانه نگه داشته بودند تا از ابزار تولید محافظت کنند اما شش ماهی می‌شد که هیچ حقوقی به آنها پرداخت نکرده بودند. ماجرا به اردیبهشت سال ۸۳ باز می‌گردد. دقیقا وقتی که ته مانده‌های صنایع نساجی یکی پس از دیگری نابود می‌شدند، این صنایع قرار نبود تولید داشته باشند چون قیمت پارچه‌های چینی که از طریق قاچاق وارد کشور می‌شدند از قیمت مواد اولیه تولید پارچه یعنی نخ ارزان‌تر بودند. مشخص بود که تولید سودی ندارد و این کارخانه‌ها باید تعطیل شوند. اما دولت نمی‌خواست هزینه اخراج هزاران کارگر نساجی را متحمل شود پس کارخانه‌ها را به بخش خصوصی واگذار کرد تا آنها به ازای مالکیت رایگان زمین و ابزار تولید، دولت را از شر هزینه‌های سیاسی و اجتماعی اخراج نیروی کار این واحدها خلاص کنند. به ماجرای کارگری که سرش هنوز به رگ و پی گردنش وصل بود بازگردیم. همکارش می‌گفت وقتی از اتاق مدیر کارخانه بازگشت من داشتم چای درست می‌کردم. صدایش زدم بیاید. گفت تا انبار می‌روم و برمی‌گردم. یك ساعت گذشت اما خبری نشد. رفتم دنبالش دیدم جنازه‌اش توی هوا تاب می‌خورد. با نردبان شش متر بالا رفته بود و طناب را به حفاظ سقف بسته بود. از آن فاصله که خودش را رها کرد، گردنش طاقت وزن بدنش را نیاورد و کار تمام شد. کارگران هنوز نمی‌دانستند چرا این‌طور غیرمنتظره خودکشی کرده است. مدیر کارخانه بلافاصله پس از مطلع شدن از خودکشی کارگر، کارخانه را ترك کرده بود. یکی از کارمندان دفتری می‌گفت به سراغ مدیر آمده بوده تا بخشی از حقوق معوقه‌اش را بگیرد. حتی التماس می‌کرد در حد ۱۰ هزارتومان به او قرض بدهند. کارگری که جنازه‌اش را پیدا کرده بود هم می‌گفت چند ساعت قبل از این اتفاق، همسرش تماس گرفته بود خبر بدهد که در خانه مهمان دارند. دو روز بعد از حادثه با همسرش صحبت کردم. هنوز داغدار بود و انگار من بازجویی، چیزی باشم پاسخم را می‌داد؛ «من بهش حرفی نزدم. فقط گفتم از شهرستان مهمان آمده. موقع برگشت یك چیزی بگیر که جلوی غریبه‌ها آبروداری کنیم. توی خانه چیزی نداشتیم. نمی‌شد غذایی که خودمان می‌خوریم را جلوی مهمان رودربایستی‌دار بگذاریم. نمی‌دانستم می‌خواهد چنین بلایی سر خودش بیاورد وگرنه لال می‌شدم اگر می‌گفتم.»

تصویر دوم؛

روستای قدشك یك جایی وسط کویر است. حدود ٤٥ کیلومتر با بیرجند فاصله دارد؛ پرت و دورافتاده و متروك. فردای روزی که کارگر معدنی در حیاط خانه‌اش خودسوزی کرد به آنجا رفتم. توی حیاط هنوز بوی گوشت سوخته می‌آمد. شب قبل خانواده‌اش هم نه از صدای فریاد مردی که در آتش می‌سوزد، بلکه از بوی سوختن گوشت آدم زنده از خواب پریده بودند. با دکتر کشیك بیمارستان امام رضا هم که حرف می‌زدم برایش عجیب بود که چطور این مرد در هشیاری بیشتر از یك دقیقه سوختن بدنش را تاب آورده اما فریاد نزده است. همسرش، پیرزنی که گریه صدایش را بریده بود، با کمك پسرش فهماند که مرد کاملا ناامید شده بود. ۱۷ ماه حقوقش را نداده بودند و او هیچ از دستش بر نمی‌آمد. هربار که به سراغ طلبش از معدن می‌رفت او را به یکی از نهادها و سازمان‌هایی می‌فرستادند که او حتی نمی‌توانست تابلوی سردر ساختمانش را بخواند، چه رسد به کاغذبازی‌های بیهوده‌ای که او را بیشتر از پیش گیج می‌کردند و ناامید. درك نمی‌کرد چرا بعد از ۳۰ سال کارکردن در معدن باید برای گرفتن حقش از این اتاق به اتاق دیگر برود و حرف‌های عجیب و غریب بشنود و آخر سر هم جواب سربالا بگیرد. پسر ١٦ ساله این مرد هم کنار کوره‌های آجرپزی کار می‌کرد یا برای پیمانکاری از کوه سنگ می‌کند و این قبیل کارها. می‌گفت: «دست‌هایم را از پدرم قایم می‌کردم. حرص می‌خورد وقتی پینه‌های دستم را می‌دید.» این مرد روز آخر زندگی‌اش به معدن رفته بود. همسرش که او را همراهی کرده بود، می‌گفت وقتی داشتیم می‌رفتیم دخترم بهانه می‌گرفت که یك ماه دیگر باید به مدرسه برود و روپوش ندارد. او به دخترم قول داد که برایش روپوش مدرسه بخرد. به محل کارش که رسیدیم به مالك معدن التماس کرد که لااقل ۵۰ هزار تومان از طلبش را بدهند. گفتند فردا بیا. از این فرداها زیاد شنیده بود. موقع برگشتن می‌گفت «خدا هم به این جور زندگی کردن من رضا نیست.»

تصویر سوم؛

در خردادماه ٨٦، کارگر کنف‌کار رشت پس از گذراندن یك نیم روز سرشار از تحقیر و کتك، به اندازه پول تاکسی از همکارش قرض گرفت تا سریع‌تر خود را به کارخانه برساند، طنابی به لوله‌های سقف گره بزند و باقی ماجرا. مالك خصوصی صبح آن روز با کمك نیروهای انتظامی، کارخانه را از ابزار تولید خالی کرده بود. کارگران ۱۱ ماه بدون هیچ حقوقی سرکرده بودند و اینك تنها امیدشان با فروش ابزار تولید کارخانه نابود می‌شد. همه می‌دانستند کار تمام است اما تنها کسی که به وضوح پایان کار را دید، او بود. جنازه او را حوالی ساعت یك بعدازظهر پیدا کردند. در آن وقت که خبر را به خانواده‌اش رساندند همسرش در مزرعه همسایه کارگری می‌کرد، پسرش سرباز بود و چون پول مسافرت نداشت هشت ماه به مرخصی نیامده بود و از پادگان خارج نشده بود. خانه نیز در اجاره نهضت سوادآموزی بود. درآمد این خانواده از کارگری موقت زن، ماهی پنج شش هزار تومان حقوق سربازی پسر و ماهی ۱۵ هزار تومان اجاره تنها اتاق خانه به نهضت سوادآموزی تامین می‌شد. دو روز پس از خودکشی کارگر کنف‌کار که به سراغ خانواده‌اش رفتم، همسرش وقتی اوضاع را شرح می‌داد بی‌مقدمه از من پرسید؛ «می‌دانی سیب زمینی کیلویی ٦٠٠ تومان است؟» با یك حساب سرانگشتی می‌شد فهمید که این خانواده بعد از ۲۵ سال کارکردن حتی از عهده سیرکردن شکمشان هم بر نمی‌آیند. این کریه‌ترین چهره فقر است.

همسرش می‌گفت؛ «یك وقت‌هایی در را که باز می‌کردم می‌دیدم جلوی در ایستاده. خجالت می‌کشید در بزند و داخل شود. صبح‌ها که می‌رفت دنبال حق و حقوقش می‌گفت؛ ان‌شاءالله امروز می‌شود. بعدازظهر دست خالی برمی‌گشت و جلوی در می‌ایستاد.» آنچه فهمیدم این بود که از زمان واگذاری کارخانه کنف‌کار به بخش خصوصی، در حدود سه سال این کارگران را در بلاتکلیفی نگه داشته بودند. ۱۶ ماه بیمه بیکاری و وعده و وعید که امروز و فردا کارخانه دوباره راه می‌افتد، پس از آن هم این کارگران ۱۱ ماه بدون حقوق سپری کرده بودند تا اینکه متوجه شدند ابزار تولید کارخانه در حال فروش است. من می‌گویم ابزار تولید، شما هم می‌خوانید، اما ابزار تولید برای کارگری که به امید کارکردن با آن زنده است فقط «کلمه» نیست، همه زندگی است. شاید آخرین گفت‌وگوی تلفنی کارگر کنف‌کار با پسرش، دو روز پیش از خودکشی برای درك «ابزار تولید» به ما کمك کند؛ «روز پنج‌شنبه از پادگان با پدرم صحبت کردم. از پشت تلفن معلوم بود که حالش بد است. بریده بود انگار. می‌گفت شنبه می‌خواهند دستگاه‌ها را ببرند. مادرت صبح تا غروب توی مزرعه مردم کار می‌کند، من هم هر روز می‌روم استانداری اما هیچ کس به ما جوابی نمی‌دهد. می‌گفت کار تمام است... هیچ کسی به داد ما نمی‌رسد. گفت دفترچه‌های تامین اجتماعی ۱۱ ماه است که تمدید نشده. اگر خواهرت مریض بشود کجا ببرمش؟ بعد گفت؛ من چه کار کنم با ۴۸ سال سن؟ زمین دارم که کشاورزی کنم؟ دیگر کجا کار کنم؟ به جوان‌ها کار نمی‌دهند، به من کار می‌دهند؟ هی می‌گفت من چه کار کنم از این به بعد؟»

درست در همین لحظه عجیب‌ترین واکنشی که انتظارش را می‌کشم به غلیان افتادن احساسات لطیف مخاطبان این گزارش‌ها است. بی‌چارگی چاه بی‌ته است. وقتی آدم بی‌پناهی در آن می‌افتد، می‌تواند سال‌ها فرو برود و همچنان زنده باشد. آنکه تصمیمی برای نجاتش می‌گیرد، هر تصمیمی، مستحق ترحم من و شما نیست. این اوج میان‌مایگی است که علت خودکشی را تنها در فقر این آدم‌ها خلاصه کنیم و برای‌شان دل بسوزانیم. حتی برقراری ارتباطی میان خودکشی یك کارگر و خودکشی متعارف یکی از ما (آدم‌های طبقه متوسط یا مرفه) می‌تواند نوعی از بدفهمی رایج و البته عامدانه برای شانه خالی کردن از بار مسوولیت باشد. نه. خودکشی این کارگران از روی انفعال و شاید ملال نیست. آنها تا جایی که مرز انسان بودنشان مخدوش نشود، هرگز تصمیم به چنین اقدامی نمی‌گیرند.

کار گزاران - دوشنبه، ۶ خرداد ، ۱۳۸۷

فقرای پنهان سرزمین ما

سعید ارکان‌زاده‌یزدی:اگر بخواهیم تهران را که پایتخت ایران است و ۱۰ درصد جمعیت کشور در آن زندگی می‌کنند، به شمالی مرفه و جنوبی محروم و فقیر تقسیم کنیم، چه خیابانی را باید مرز شروع فقر بگیریم؟ خیابان آذربایجان؟ پس ساکنان دروازه‌غار چه بگویند؟ خیابان شوش؟ پس اهالی دولت‌آباد در شهرری چه؟ فلکه دوم دولت‌آباد؟ پس محله «باروت‌کوبی» چه؟ مرز فقر را با «خط فقر»ی نشان می‌دهند که بر اساس درآمد خانوار مشخص می‌شود نه با موقعیت جغرافیایی محل سکونت افراد، اما از دوران رضاشاهی تا کنون، اهالی تهران دیده‌اند آنکه شمال‌تر می‌نشیند، وضعش بهتر است و البته استثنا در این میان بسیار است. برای یافتن محله‌ای که آثار فقر مردمانش نمایان باشد، راه دوری نباید رفت و یك ساعته می‌توان به محله‌هایی رسید که مردم تلاشگرش از صبح تا شب، در حال دویدنند تا بتوانند تنها احتیاجات اولیه همان روزشان را رفع کنند؛ محله‌های حاشیه‌ای اسلامشهر، پاکدشت و ورامین پر از این منظره‌هاست. هرچند که خیلی از اهالی پایتخت که فقیر هم نشان نمی‌دهند گرفتار چنین تلاش شبانه‌روزی‌ای برای معاشند.
یکی از خیابان‌های منشعب شده از میدان حضرت عبدالعظیم در شهرری، در جنوب تهران، خیابان «فداییان اسلام» است که از سوی دیگر به میدان «بسیج مستضعفین» می‌رسد. از آن سوی این میدان، خیابان «ابن‌بابویه» شروع می‌شود و انتهای ابن‌بابویه به خیابان «شهید علینواز» برمی‌خورد و آخر این خیابان، فلکه دوم «دولت‌آباد» واقع شده که محله‌ای آباد است و بازارش همه چیز دارد. اما با یك ربع ساعت پیاده‌روی از دولت‌آباد به سمت جنوب، محله «باروت‌کوبی» شروع می‌شود که کنار کارخانه متروك سیمان واقع شده و مناظرش بیشتر به روستا شبیه است تا تکه‌ای از یك شهر.
اهالی باروت‌کوبی فقیر هستند اما نه مثل فقرای مناطق محروم کشور که با لباس‌های ژنده در خیابان بگردند و در کپر زندگی کنند؛ لباس پوشیدن آنها و کردارشان همچون سایر اهالی شهر است و با دیدن ظاهر نمی‌توان به فقرشان پی برد. اما به خانه‌ها که نزدیك می‌شوی، نشان می‌دهند که ساکنانشان چه وضعی دارند؛ پسر جوانی که از خانه‌ای ۵۰

متری و یك طبقه با دری زنگ‌زده و نمایی از آجر خام و پنجره‌هایی شیشه‌شکسته بیرون می‌آید، شلوار جینی پوشیده و کیفی بر شانه انداخته و از باروتکوبی به قصد مرکز شهر بیرون می‌رود. بسیاری اینچنین ظاهر خود را آراسته نگه می‌دارند تا از فواید دارا بودن محروم نشوند؛ فقر، آنها را از داشتن دوستانی خوب و ورود به جمع‌های رو به پیشرفت باز می‌دارد و بیش از همه، مایه شرمساری درونی آنهاست و ناآگاه منزوی و منفعل‌شان می‌کند. آنها که اغلب فرزندان فقرای نسل قبل بوده‌اند، از این که بختشان چنین بوده ناراضی‌اند و می‌بینند که توجه جامعه عملا معطوف به پولدارهاست و با دسترنج و تلاش طاقت‌فرسا و البته نه با ارتباط و همراهی با فساد، افرادی با بنیه فکری متوسط به سختی به مدارج بالاتری برسند.

باروتکوبی واقعی، کارخانه‌ای قدیمی بوده که حالا از بین رفته و جایش را با یك آب‌نمای «مصنوعی» بلند که نورافکن‌هایی در پیرامون روشنش می‌کند و یك زمین فوتبال، پر کرده‌اند. زمین با چمن «مصنوعی» پوشانده شده که نشان می‌دهد شهرداری توجهی به این محله هم داشته است. در ظل آفتاب پسر بچه‌هایی فوتبال بازی می‌کنند و هر از چندی به توالت عمومی هم سری می‌زنند که کاسه روشویی‌اش شکسته و صابونی هم ندارد. تمام آراستگی محله باروتکوبی دو ساختمان مرتفع نوساز مسکونی است و همین یك زمین و آب‌نما و دو تاب و یك سرسره و یك الاکلنگ برای خردسالان و البته در شمال محله هم، ساختمانی چهار طبقه با آنتن تلفن همراه بر دوشش. بقیه محله شامل خانه‌هایی عمدتا یك طبقه است که درها به فاصله کمتر از پنج متر از هم، ردیف شده‌اند و دکان‌ها محقر و کودکان توی کوچه به بازی مشغول. خانه‌ها نمایی ندارند و معلوم است که با چه مصالحی ساخته شده‌اند و روی پشت‌بام‌ها وسایل به‌دردنخور پشته شده. مساحت خانه‌ها در حدود ۶۰ یا ۷۰ متری است. در یکی از منازل باز است و داخل حیاط معلوم است؛ حیاطی بسیار کوچك با بند رختی و چند تکه‌لباس بر آن و گوشه‌ای سینك ظرفشویی قدیمی و گوشه دیگر توالت و شلنگی که از در توالت توی حیاط افتاده و یك ماشین کهنه‌شوی دوقلو گوشه‌ای و یك خروار وسیله رویش انباشته و بالای در حیاط، از بیرون تابلوی کوچکی که «گلدوزی پذیرفته می‌شود».

باروتکوبی دو زمین بسیار وسیع و خاکی دارد که قسمت‌هایی از آن، محل جمع‌آوری زباله شده. در جوی‌های دور زمین‌ها، مایع سبزرنگ بدبویی جریان دارد. در یکی از این زمین‌ها، کودکانی داخل بار قدیمی یك وانت که حالا روی زمین رها شده، رفته‌اند و بازی می‌کنند. گوشه آن زمین خاکی دیگر، حجله‌ای گذاشته‌اند و آگهی‌های تسلیت می‌گویند که جانبازی به تازگی شهید شده؛ کوچه‌های باروتکوبی، همه به نام شهداست؛ شهید افکاری، شهید تاجیك، شهید صفری، شهید طبائی، شهید فریمانی، شهید ملکی‌جوکار، شهید عمرانی و...

ساعت یك ربع به دوازده، وقت تعطیلی مدرسه‌هاست و دختران با مانتو و مقنعه مدرسه به خانه‌ها باز می‌گردند. مدرسه‌ها که یکی از آنها را موسسه‌ای خیریه ساخته، کمی بالاتر از باروتکوبی است. چهار دختر در خیابان به سمت باروتکوبی می‌آیند که پسربچه‌ای ۸ یا ۹ ساله، از مقابل دختران می‌گذرد و فحش نثارشان می‌کند؛ قطعا پسر نمی‌دانست معنی فحشش چیست. یکی از دخترها خیلی خونسرد رو به پسرك برمی‌گردد و می‌گوید «باباته» و دوباره به حرف زدن با هم‌مدرسه‌ای‌هایش مشغول می‌شود.

امنیتی شدن ماجرای خط فقر

باروتکوبی نسبت به مناطق محروم دور از پایتخت، چندان هم با فقر و محرومیت دست به گریبان نیست؛ برق دارد و آب لوله‌کشی و تلفن و کوچه‌هایش آسفالت شده و مردمانش ربع ساعته به دولت‌آباد می‌رسند که اتوبوس و پزشك و دکان‌های رنگارنگ دارد؛ اوضاعش از خیلی از روستاهای سیستان و خوزستان و هرمزگان و خراسان جنوبی و لرستان بهتر است. با این حال، اگر دولت خط فقر را مطابق وظیفه‌ای که داشت، اعلام می‌کرد، می‌شد دید خیلی از اهالی باروتکوبی که هیچ، حتی کسر قابل‌توجهی از اهالی تهران نیز که همه امکانات در آن متمرکز شده، در حوالی خط فقر و زیر آن روزگار می‌گذرانند.

طبق وظایف قانونی دولت، وزارت رفاه باید تا آخر اردیبهشت‌ماه امسال، خط فقر سال ۸۶ را اعلام می‌کرد اما این اتفاق نیفتاد؛ اصلا عبدالرضا مصری که وزیر رفاه است، اعتقادی به اعلام کردن خط فقر ندارد. او گفته است که «اعلام خط فقر دردی را از مردم دوا نمی‌کند» چون آنهایی که درآمدشان کمتر از خط فقر است با اعلام این خط، احساس فقیر بودن می‌کنند. از این سخنان وزیر رفاه می‌توان چنین استنباط کرد که لابد تعداد زیادی از مردمان این کشور گرفتار فقرند که دو سال است به خاطر اینکه احساس فقیربودن نکنند، هیچ خط فقری اعلام نشده است. احتمال دیگر هم این است که دولت در عمل به شعارهای خود در فقرزدایی موفق نبوده و برای نشان ندادن این کاستی، خط فقر را اعلام نکرده است؛ دانستن خط فقر، برای برنامه‌ریزی رفاه و پی بردن به اینکه کجای کاریم، ضروری است.

اما در هر حال، سازمان‌ها و متخصصان غیردولتی، کار خود را می‌کنند و اعدادی را در محدوده خط فقر اعلام کرده‌اند که با تندی مسوولان فعلی وزارت رفاه هم روبه‌رو شده است. حدود ۱۵ روز پیش، حسین راغفر که مشاور وزیر رفاه دولت اصلاحات بود، در گفت‌وگو با ایسنا اعلام کرد که خط فقر مطلق یك خانواده پنج‌نفره در کشور ۴۰۰ هزار تومان و در تهران ۷۷۰ هزار تومان است و ۳۵ درصد مردم کشور زیر خط فقر مطلق قرار دارند. اما چند روز بعد، سخنگوی وزارت رفاه که از این آمار برآشفته بود، تلویحا راغفر را به گام برداشتن در راه «صهیونیست‌ها» متهم کرد؛ او گفت: «پروژه فقر و نابرابری در ایران مدت‌هاست در دستور کار نهادهای بین‌المللی و مراکز وابسته به صهیونیست‌ها قرار گرفته و همراه با موضوع حقوق بشر در ایران، به عنوان کلیدی‌ترین موضوعات قابل طرح علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد و حجم تبلیغات منفی علیه جمهوری اسلامی در این

خصوص در برخی موارد بیشتر از تبلیغات علیه موضوع فعالیت‌های هسته‌ای کشورمان است. جای تاسف فراوان است که برخی افراد و جریانات داخلی اصرار دارند همنوا با بیگانگان و بر خلاف آمارهای رسمی و استنادات کارشناسی، جمعیت فقیر کشور را بسیار بیشتر از واقعیت موجود نشان دهند و ناخواسته با سیاه‌نمایی به کتمان زحمات و تلاش‌های ۳۰ساله دولتمردان گذشته و حال جمهوری اسلامی ایران بپردازند.» با این حرف‌ها، می‌توان پیش‌بینی کرد که به تدریج موضوع فقر هم در شمار مسائل قرار می‌گیرد که پرداختن به آن ممنوع خواهد شد، جای می‌گیرد و پرونده‌سازی‌های سخنگوی وزارت رفاه هم موید همین نکته است.

طبق آمار، خرج بیشتر از دخل است

فقر وقتی با نابرابری همراه شود، می‌تواند بسیار مخرب باشد؛ احساس تبعیض و پس از آن عقب‌ماندگی در همه سطوح يك جامعه، از هنگامی رشد می‌کند که در آن همه مردمان نتوانند با استعدادهای یکسان به مدارج و جایگاه یکسان برسند و از آن سو، فقر هم مانعی برای همین رشد اندك باشد؛ در جوامع نابرابر، برخی فقرا به واسطه رانت‌های ناشی از ارتباط با قدرتمندان یا افزایش سرمایه به دلیل وضعیت غیر عادی اقتصادی، به ثروت‌های هنگفت می‌رسند و برخی از فقرای بی‌پناه نیز روز به روز آسیب‌پذیرتر می‌شوند. در این میانه، جمعیت بسیار زیادی از افراد طبقه متوسط نیز می‌بینند که هر روز بیشتر از قدرت اقتصادی دستمزد و حقوقشان کاسته می‌شود و به سمت طبقه پایین‌تری کشیده می‌شوند. طبق اعلام رسمی آخرین اطلاعات مرکز آمار ایران، متوسط هزینه‌های خالص يك خانوار شهری در سال ۸۵، به میزان ۶ میلیون و ۷۲۸ هزار تومان و در عوض متوسط درآمد يك خانوار شهری ۶ میلیون و ۵۵۶هزار تومان بوده است. متوسط هزینه‌های خالص يك خانوار روستایی در این سال نیز، ۴ میلیون و ۱۵۷ هزار تومان و متوسط درآمد يك خانوار روستایی ۳ میلیون و ۹۱۳ هزار تومان بوده است. مرکز آمار هنوز اطلاعاتی از سال ۸۶ اعلام نکرده است اما می‌توان در این زمینه پیش‌بینی‌هایی کرد؛ حسین راغفر متخصص حوزه رفاه اجتماعی گفته است که در سه سال اخیر، جمعیت افراد زیر خط فقر مطلق کشور، سالانه رشد ۱۸درصدی داشته است.

در ایران دو نهاد کمیته امداد و سازمان بهزیستی مسوولیت کمك به فقرا را بر عهده دارند. کمیته امداد که نهادی فارغ از نظارت دولت است، امسال حدود ۱۲۰۰ میلیارد تومان بودجه داشته اما اعلام کرده است هیچ مددجوی جدیدی نخواهد پذیرفت. سازمان بهزیستی هم با وجود افزایش بودجه‌ای که در سال جدید داشته، باز هم برای پیشبرد اهداف خود در کمك به معلولان و زنان خودسرپرست و کودکان بی‌سرپرست، اعتبار بسیار بیشتری نیاز دارد. به علاوه، کمیته امداد و سازمان بهزیستی باید مراقب افرادی باشند که دارای فقر حاد هستند و مشخص نیست چه سازمانی متولی حمایت از درصد زیادی از مردم است که هر چه درمی‌آورند را بدون اینکه برای روز مبادا ذخیره‌ای بیندوزند یا در فکر آینده‌ای بهتر باشند، خرج می‌کنند. تنها کمکی که به این افراد می‌شود ارائه برخی یارانه‌هاست که آن هم به دلیل توزیع نامناسب، بیشتر در جهت منفعت ثروتمندان صرف می‌شود؛ موسی‌الرضا ثروتی نماینده مجلس هفتم، به خبرگزاری فارس گفته بود ثروتمندان پنج برابر فقرا از آب و نان و بنزین و سایر اقلام یارانه‌دار استفاده می‌کنند.

دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۷

گزارش خبرگزاري فارس از قيمت ملك در بازار تهران

حجره متري ۱۰۰میليون تومان؟

اينجا فقط حرف پول است و پول، اينجا هر روز و هر لحظه ميلياردها تومان پول رايج كشور رد و بدل مي‌شود، اينجا هر وجب و هر سانتيمترش از طلا گران‌تر و باارزش‌تر است، اينقدر با ارزش كه به گفته صاحبان مغازه‌ها قيمتش كيلويي تعيين مي‌شود ، اينجا قلب تجارت و بازرگاني كشور، بازار بزرگ تهران است.

اگر تا به حال گذرتان به بازار بزرگ تهران افتاده باشد، مي‌بينيد كه تنها چيزي را كه در آن نمي‌توان قيمتگذاري كرد مغازه‌هاي داخل سراها و راسته‌هاي آن است.
قيمت مغازه‌ها در داخل بازار بزرگ تهران به هيچ عنوان بر مبناي يك قيمت مشخص و منطقه‌اي تعيين نمي‌شود اينجا هر كس هر قيمتي بخواهد روي مغازه خود مي‌گذارد.

ريش‌سفيدها قيمت تعيين مي‌كنند

خبرگزاري فارس گزارش مي‌دهد: يكي از راه‌هاي تعيين قيمت مغازه‌ها در بازار تهران نظر ريش‌سفيدها است. اگر فردي قصد فروش مغازه خود را داشته باشد و فردي نيز پيدا شود كه طالب اين مغازه باشد به جاي رفتن به بنگاه هر دو به اتفاق يكديگر سراغ ريش‌سفيدها و يا قديمي‌هاي بازار براي تعيين قيمت مغازه مي‌روند.
اگرچه قيمت مغازه‌ها در بازار تهران نجومي‌و براي دارندگان مغازه‌ها، فروش مغازه با اين قيمت‌ها وسوسه‌انگيز است، اما كمتر كاسبي حاضر به فروش مغازه خود است.
ترس از گران شدن مغازه تنها در عرض يك روز و ناتواني در خريد مغازه‌اي ديگر موجب شده تا فروشندگان از معامله و فروش مغازه خود خودداري كنند.

قيمت‌هاي كيلويي

امير عباسي آجيل فروش خيابان ۱۵خرداد به خبرنگار فارس مي‌گويد: يك سال است كه در خيابان ۱۵ خرداد خريد و فروش مغازه انجام نشده است چون قيمت‌ها بسيار بالا است و كسي هم حاضر به فروش نيست.
وي ادامه مي‌دهد: قيمت مغازه در خيابان ۱۵، خرداد موقعيتي تعيين مي‌شود و بر اساس متراژ نيست؛ البته بايد بگويم كه قيمت‌ها در اين منطقه كيلويي است.

متري ۱۰۰ميليون تومان

عباسي در خصوص حدود قيمت مغازه در خيابان ۱۵ خرداد مي‌گويد: قيمت مغازه در خيابان ۱۵ خرداد متري حدود ۱۰۰ميليون تومان به بالاست؛ البته در اين خيابان مغازه متري ۸۰ميليون تومان هم وجود دارد كه آن هم به محل مغازه مربوط مي‌شود.

مغازه ٤ميليارد تومان

مرتضي فضل‌اللهي مغازه دار راسته پتوفروشان واقع در سبزه ميدان به خبرگزارشي فارس مي‌گويد: قيمت مغازه‌ها در محدوده سبزه ميدان بالاست و در حقيقت نمي‌توان گفت كه اينجا قيمت مغازه متري تعيين مي‌شود.
وي ادامه داد: قيمت مغازه در اين منطقه به صورت موقعيتي تعيين مي‌شود؛ البته باز هم قيمت‌ها متفاوت است به عنوان مثال قيمت يك باب مغازه ٦۰متري در اين محدوده ٤ميليارد تومان هم معامله شده است كه مربوط به يك سال پيش است.
رجبي مغازه‌دار لباس فروش در محدوده ۱۵ خرداد در خصوص اجاره بهاي يك باب مغازه در بازار مي‌گويد: در محدوده ميدان ۱۵ خرداد اجاره يك باب مغازه حدودا ماهي ۲ميليون تومان با پيش‌پرداخت ۷۰ميليون تومان است.
وي ادامه داد: اينجا اجاره بهاي يك باب مغازه به صورت سالانه محاسبه و ابتدا نيز دريافت مي‌شود؛ يعني به طور معمول اجاره يك باب مغازه ۱۵ متري سالانه حدود ٤۰ميليون تومان تا ۵۰ميليون تومان است.

حجره بهتر از بانك سود مي‌دهد

قيمت مغازه در پاچنار حدود ٤۵ميليون تا ۵۰ميليون تومان تخمين زده مي‌شود. رحيم‌پور مي‌گويد: قيمت‌ها در اين مكان بالاست و هر چند كه بازار مثل گذشته نيست؛ اما كسي هم حاضر به فروش نيست.
وي ادامه داد: حتي اگر بازار كساد هم باشد ما حاضر به فروش مغازه و سپرده‌گذاري در بانك نيستيم؛ چرا كه سال به سال قيمت مغازه بالاتر مي‌رود بنابراين اين سرمايه‌گذاري بهتر از سپرده‌گذاري در بانك است.

فروشنده‌ها بازنده‌اند

بازار سلطاني نيز يكي از بازارهايي است كه بيشتر به فروش بدليجات و لباس زير اختصاص دارد و قيمت مغازه در آن نسبت به ساير بازارها از قيمت‌هاي پايين‌تر برخوردار است.
بهزاد رمضاني در خصوص قيمت مغازه در اين محدوده مي‌گويد: قيمت‌ها به صورت متراژي تعيين نمي‌شود؛ چراكه هر فردي هرچه كه دوست داشته باشد قيمت مي‌دهد.
وي ادامه داد: خريد و فروش مغازه به ندرت صورت مي‌گيرد و دليل آن هم اين است كه فروشنده بازنده اين معامله است؛ چرا كه اگر مغازه خود را بفروشد ديگر نمي‌تواند مغازه‌اي با همان مشخصات خريداري كند پس كسي فروشنده نيست، حتي اگر پول بيشتري بدهيد.

منبع : دنياى اقتصاد

دنیای اقتصاد - پنجشنبه ۹ خرداد ۱۳۸۷

بازار مسكن ايران از نگاه خارجي‌ها

تداوم سقوط مسكن در آمريكا

دنياي اقتصاد- خبرگزاري رويترز در گزارشي از وضعيت بازار مسكن در ايران، دو دليل عمده را براي روند فزاينده قيمت‌ها در اين بازار معرفي كرده است.در اين گزارش كاهش دستوري نرخ بهره و سرمايه‌هاي ايرانيان خارج از كشور دو عامل اساسي براي دامن زدن به گراني مسكن در ايران تحليل شده است.

نرخ بهره پايين، تقاضاي زياد و هجوم سرمايه‌هاي ايرانيان مقيم خارج

عوامل تحريك بازار مسكن ايران از نگاه رويترز

خبرگزاري فرانسه:در حال حاضر بسياري از صنعتگران ترجيح مي‌دهند بخشي از سرمايه خود را در بخش مسكن وارد كنند

نيلوفر قديري

خبرگزاري رويترز در گزارشي از وضعيت بازار مسكن در ايران، دو دليل عمده را براي روند فزاينده قيمت‌ها در اين بازار معرفي كرده است.
در اين گزارش كاهش دستوري نرخ بهره و سرمايه‌هاي ايرانيان خارج از كشور دو عامل اساسي براي دامن زدن به گراني مسكن در ايران تحليل شده است.
آنچه در پي مي‌آيد عين گزارش خبرگزاري رويترز از بازار مسكن كشورمان است:

ميليونرهاي تهراني

خانم ن. احتشامی برای خرید خانه‌ای شیك به تازگی ۶ میلیون دلار پول پرداخته‌است. اشتباه نكنید این خانه در نیویورك یا لندن نیست. این خانه در تهران پایتخت ایران واقع است. او كه ۵۶ سال سن دارد و یك طراح داخلی از خانواده‌ای ثروتمند در شمال تهران است، می‌گوید: من حالا یك میلیونرم.
اما هيچ چيز ديگر در زندگي اين زن به زندگي ميليونرها شبيه نيست. او درحاليكه كه كنار پنجره خانه‌اش ايستاده و آن را مي‌بندد، مي‌گويد: احساس مي‌كنم كه در يك هلي‌كوپتر نشسته‌ام. از اينجا من كل شهر را مي‌بينم.
اين ماجرايي است كه اكنون در كل دنيا هم تجربه شده‌است، يعني افزايش ناگهاني قيمت‌ها كه بخشي از آن از وام‌دادن‌هاي آسان ناشي مي‌شود. اما در ايران مردم بسيار از قيمت بازار عقب هستند.
آقاي م. باقري يك بازرگان است كه از سال ۱۹۸۰ در آلمان زندگي مي‌كند و اميدوار است كه از اين الگوي جديد در ايران سود هنگفتي نصيب خود كند.
او از اروپا جايي كه در آن زندگي مي‌كند وام مي‌گيرد و در تهران آپارتمان مي‌خرد. او مي‌گويد كه به زودي به يك ابرثروتمند تبديل مي‌شود.
از سال ۲۰۰۵ (يعني بعد از انتخابات رياست‌جمهوري ايران)، بازار املاك در اين چهارمين توليدكننده بزرگ نفت دنيا رونق گرفته است. كارشناسان اقتصادي مي‌گويند كه قيمت املاك در ايران تنها در سال ۲۰۰۷ ، بيش از ۱۰۰ درصد افزايش يافته‌است. اين افزايش قيمت در سال ۲۰۰۶ بيش از ۶۲ درصد و در سال ۲۰۰۵ بيش از ۵۰ درصد بوده‌است. بعضي كارشناسان اقتصادي مي‌گويند كه اين افزايش قيمت ادامه خواهد يافت؛ چرا كه با پايين كشيدن نرخ بهره به ميزاني كمتر از نرخ تورم، ايراني‌ها و سرمايه‌گذاران در بازار ملك به دنبال فرصتي براي سود بيشتر مي‌گردند.
رضا عبدي‌زاده از كارشناسان اقتصادي مي‌گويد كه اين افزايش قيمت ممكن است يك حباب باشد. اين روند شايد روندي كاذب باشد؛ چرا كه سير افزايش قيمت‌ها منطقي نيست. اما فعلا كه يك حقيقت است. قيمت مسكن در ايران معمولا كم نشده‌است. دولت ايران ممكن است بتواند روند افزايش قيمت را متوقف كند اما بعيد است كه بتواند آن را پايين بياورد.

وام‌هاي سريع

دولت محمود احمدي‌نژاد طرحي را براي دادن وام‌هاي سريع به بنگاه‌هاي زودبازده به اجرا گذاشت. بر اساس اين طرح به افراد و شركت‌هايي كه براي ايجاد شغل در ايران برنامه دارند مقدار زيادي وام داده مي‌شد. نرخ بيكاري در ايران بالاي ۱۰ درصد است. اين برنامه كه نوعي بسته محرك اقتصادي بود، باعث افزايش تورم شد و انتقاد و هشدار بسياري از جمله طهماسب مظاهري رييس كل بانك مركزي ايران را برانگيخته‌است. سعيد ليلاز يك كارشناس اقتصادي در اين زمينه مي‌گويد: اين كار مشكلاتي به وجود مي‌آورد، زيرا موضوع و مشكل اصلي وجود سرمايه و نقدينگي است.

دولت گفته‌است كساني كه از اين پول به جاي ايجاد اشتغال، براي سرمايه‌گذاري در ملك استفاده كنند براي ۵ سال از دريافت هرگونه وامي محروم خواهند شد.

احمدي‌نژاد كه به خاطر اين سياست‌ها مورد انتقاد كارشناسان اقتصادي قرار گرفته‌بود، نرخ بهره را با وجود رشد شديد نقدينگي در سال گذشته كاهش داد. اكنون نرخ بهره زير نرخ تورمي است كه اكنون بالاي ۲۰ درصد در سال است.

پرش ناگهاني

علي افشاري يكي از بنگاهداران معاملات ملكي در اين باره مي‌گويد: وقتي فرصت ديگري براي سرمايه‌گذاري وجود نداشته‌باشد و نرخ بهره بانكي هم زير نرخ تورم باشد طبيعي است كه پول به سوي بازار املاك سرازير مي‌شود.

دولت تاكنون در تلاش براي مهار قيمت‌ها در اين بازار ناموفق بوده‌است. هر سال يك ميليون نفر خواستار مسكن در ايران به اين بازار وارد مي‌شود و اين درحالي است كه هر سال در اين كشور تنها ۶۰۰ هزار خانه جديد ساخته مي‌شود. به اين ترتيب ميزان كمبود مسكن بالاست.

ح. تقوي كارمند است و دو فرزند دارد. او خانه ۶۰ متري خود را در تهران فروخته تا خرج عروسي پسرش را تامين كند. از آن زمان تا كنون او حتي نتوانسته يك آپارتمان كوچكتر براي خود و خانواده‌اش اجاره كند. اين درحالي است كه او فكر مي‌كرد با فروش خانه‌اش مي‌تواند يك آپارتمان كوچك‌تر خريداري كند و خرج عروسي پسرش را هم بدهد. اكنون اما او در سن ۵۵ سالگي بدون خانه و سرپناه مانده‌است.

بعضي دلالان معاملات ملكي و بنگاهداران با شعله‌ورتر كردن اين آتش، پيش‌بيني مي‌كنندكه در ماه‌هاي آينده قيمت‌ها با يك جهش روبه‌رو مي‌شود. اين پيش‌بيني

آنها ناشي از فشارهاي بين‌المللي است كه اين روزها بر ايران شدت گرفته است.

نرخ پايين بهره، تقاضا براي مسكن و تهديدهاي بين‌المللي همگي به اين افزايش قيمت دامن مي‌زند و اين درحالي است كه ايراني‌ها بيشتر از گذشته سرمايه خود را در بخش مسكن و ساخت و ساز سرمايه‌گذاري مي‌كنند. سرمايه خارجي در موفقيت اين بازار نقش بزرگي دارد، زيرا ارزش ريالي پول ايراني‌هاي ساكن خارج از كشور در سال‌هاي اخير افزايش يافته‌است. دليل آن هم اين است كه ايراني‌ها نگران آن هستند كه دارايي‌شان در بانك‌هاي خارجي در اثر تحريم‌هاي آمريكا بلوكه شود. به همين دليل اين پول را به ايران مي‌فرستند.

باقر صفريان يك مهندس عمران كه در كار ساخت‌وساز انبوه خانه در جنوب تهران مشغول است، مي‌گويد، قيمت‌ها افزايش خواهد يافت چرا كه رونق ساخت‌وساز در بخش‌هاي عمده كشور از جمله شهرهاي نزديك تهران رونق قابل توجهي گرفته‌است. او مي‌گويد، مردم پول دارند و با كاهش ارزش در مقابل دلار و طلا ترجيح مي‌دهند كه در بازار املاك سرمايه‌گذاري كنند.

محمود رحيمي يك كارمند ۳۵ ساله دولت است كه زندگي او هم در اثر اين افزايش ناگهاني قيمت لطمه ديده است.

او مي‌گويد اكنون خريد يك آپارتمان خيلي كوچك هم در تهران غيرممكن است قيمت‌ها اكنون بين متري ۲ هزار تا ۲۰ هزار دلار در نوسان است.

رحيمي مي‌گويد: حتي اگر ما هيچ چيزي نخوريم و طي ۴۰ سال حتي يك ريال هم خرج نكنيم شايد بتوانيم بعد از اين مدت يك خانه ۲۰ متري بخريم. البته اگر تا آن زمان قيمت‌ها ثابت بماند و بيشتر نشود.

رقابت تهران و پاريس

خبرگزاري فرانسه نيز در گزارشي به بررسي وضعيت مسكن در تهران پرداخت و نوشت: در حالي كه اقتصاد ايران از تورم صدمه مي‌بيند، مالكان خانه در ايران به سرعت در حال ثروتمندتر شدن هستند.

اين خبرگزاري ادامه داد: يك پنت‌هاوس لوكس هزار و ۴۰۰متري در شمال تهران اخيرا ۲۱ميليون دلار به فروش رفت كه قيمت هر مترمربع آن حدود ۱۵هزار دلار بوده است، اين در حالي است كه ميانگين حقوق ماهانه ايرانيان معادل ۳۰۰ تا ۴۶۰دلار در ماه است.

در حالي كه بازار مسكن در آمريكا دچار مشكل شده است، قيمت‌هاي خانه در مناطق حومه شهر تهران طي سه ماه دست كم ۱۰ميليون ريال (بيش از هزار دلار) افزايش يافته است.
به اعتقاد خبرگزاري فرانسه، قيمت مسكن در تهران قابليت رقابت با قيمت مسكن در پاريس را دارد به طوري كه در پايتخت فرانسه هر متر مربع خانه ۱۰ تا ۱۰۰ميليون ريال (شش هزار و ۵۰۰ تا ۱۰هزار و ۷۰۰دلار) معامله مي‌شود.
يك آژانس املاك در تهران با اعلام اينكه متراژ خانه‌هاي شمال شهر تهران به طور ميانگين ۲۰۰متر مربع است، گفت: براي خريد خانه در مناطق شمالي شهر بايد دست كم يك ميليون دلار پرداخت كنيد.
با توجه به فعاليت بي‌رونق بازارهاي سهام، بخش املاك يكي از مطمئن‌ترين بخش‌ها براي جذب نقدينگي است كه در پي افزايش قيمت نفت به اقتصاد ايران سرازير شده است.
اين خبرگزاري در ادامه گزارش خود كه ايسنا آن را منتشر كرده است، به امكانات لوكس خانه‌هاي شمال تهران پرداخته و مي‌نويسد: تسهيلاتي همچون استخر، سونا، جكوزي و غيره در خانه‌هاي نوساز به وفور يافت مي‌شود تا خريداران ثروتمند بيشتري جذب شوند به طوري كه حتي يكي از برج‌هاي مسكوني تهران داراي محل مخصوص فرود هليكوپتر هست و برخي از آنها از آسانسورهايي براي منتقل كردن خودروها به داخل آپارتمان نيز برخوردارند.
اين در حالي است كه افزايش قيمت مسكن تنها منحصر به مناطق شمالي شهر تهران نيست و ديگر مناطق و شهرهاي بزرگ همچون اصفهان، مشهد و تبريز نيز با چنين افزايش قيمتي مواجه هستند به طوري كه در شهر پرند و هشتگرد كه در حومه تهران نيز قرار دارند قيمت‌ها افزايش داشته‌اند.
يك صاحب آژانس املاك مي‌گويد: مسكن سودمندترين محل براي سرمايه‌گذاري است، قيمت‌ها طي يك سال پيش ۱۰۰درصد افزايش داشته و به افزايش خود نيز ادامه خواهد داد. هيچ بخش ديگري چنين سوددهي ندارد.
اين در حالي است كه بسياري ديگر نيز چنين عقيده‌اي دارند. صاحب يك فروشگاه فست‌فود معروف تهران با اعلام اينكه بازار مسكن براي سرمايه‌گذاري محل مناسبي است، مي‌گويد: ما در ماه‌هاي شلوغ ژانويه و فوريه تنها شش درصد سود داشته‌ايم، اين در حالي است كه سود بازار مسكن بسيار بيشتر است.
يك صنعتگر ايراني كه افزايش قيمت‌ها منجر به تعطيلي دو شركت واردات محصولات پتروشيمي او شده مي‌گويد، ما طي يك سال در حدود ۸۰۰هزار دلار زيان كرديم و پس از آن سرمايه‌گذاري در بخش مسكن را انتخاب كرديم و جالب بود كه طي دو ماه سود برابر با زيان خود را به دست آورديم.
به اعتقاد تحليلگر خبرگزاري فرانسه، در حال حاضر بسياري از صنعتگران ترجيح مي‌دهند تا بخشي از سرمايه خود را در بخش مسكن وارد كنند. در حالي كه برخي از ناظران پيش‌بيني مي‌كنند كه حباب كنوني مسكن خواهد تركيد، ديگران معتقد هستند كه بهاي مسكن همچنان به افزايش خود ادامه خواهد داد.

مظاهري:
* ارزش دارايي‌هاي خارجي ۱۷,۷ ميليارد دلار افزايش يافت
* امسال بهترين فرصت براي ايجاد تحولات در نظام بانكي است

۰۷/۰۳/۱۳۸۷

رييس كل بانك مركزي هرگونه اصلاح و تحول در نظام بانكي كشور را مستلزم يافتن پاسخ‌هاي مناسب و شفاف براي سه سوال اساسي در مورد مولفه‌هاي مختلف حوزه پولي و بانكي دانست.

به گزارش خبرنگار بانك و بيمه ايسنا طهماسب مظاهري صبح امروز در هجدهمين كنفرانس سالانه سياست‌هاي پولي و ارزي اظهار كرد:اولين سوال به نقش و مسووليت نظام بانكي در قبال سپرده‌گذاران بر مي‌گردد و امروز و بعد از گذشت حدود ۲۵ سال از زمان تدوين قانون بانكداري بدون ربا بايد مشخص شود كه اولويت سياست‌هاي بانكي در كشور ما حذف امانت سپرده‌گذاران در بانك‌هاست و يا اولويت‌هاي ديگري مطرح است.

وي افزود: اگر پاسخ به اين پرسش مثبت باشد نحوه تصميم‌گيري و سياست‌گذاري از سوي مديران اقتصادي نظام در مورد رفتار بانك‌ها تغيير خواهد كرد چرا كه آنچه مسلم است وظيفه اصلي بانك‌ها در اين صورت تنوع بخشي به راه‌هاي تامين درآمد سالم براي سپرده‌گذاراني است كه قصد كسب درآمد از سپرده‌گذاري خود دارند.

رييس كل بانك مركزي اضافه كرد: اما در صورتي كه جواب به اين سوال اساسي اين باشد كه منابع موجود در جامعه بايد در جهت اهداف تعيين شده از سوي دولت صرف شود سياست‌هاي حوزه پولي تغيير مي‌كند. البته مشخص است كه

نظام بانكي بايد هر دو هدف را دنبال كند ولي قطعا بايد در قبال حفظ ارزش سپرده‌هاي عمومي و تعيين اهداف دولت به يكي اولويت دهد.

مظاهري سوال دوم را اين گونه مطرح كرد كه آيا پول يك كالاست و يا يك ابزار مبادله؟ و ادامه داد: گرچه اين سوال يك پرسش ابتدايي است ولي هنوز پاسخ روشني به آن داده نشده و همين عدم شفافيت چالش‌هاي زيادي را در حوزه پولي كشور به وجود آورده است.

وي گفت: بايد مشخص شود وقتي كسي پولي را قرض مي‌دهد آيا فيزيك پول را قرض مي‌دهد يا ارزش پول را و به عبارت ديگر آيا عقدي كه برقرار مي‌شود عقد قرضي مثلي است يا قيمي؟ در صورتي كه عقود قرضي قيمي باشند بايد ارزش پول قرض داده شده بازگردانده شود نه مثل آن.

رييس كل بانك مركزي همچنين تعيين پاسخ روشن به رابطه بين نقدينگي و تورم را سوال سوم دانست كه بايد براي آن جواب روشني يافت چرا كه در حال حاضر پاسخ‌هايي از رابطه يك به يك تا نفي رابطه در اين زمينه ارائه مي‌شود.

وي افزود: پاسخ به اين پرسش‌ها تا حدود زياد به اصلاح و نظام مندي بيشتر سيستم بانكي شكور منجر خواهد شد، گرچه اين اتفاق بايد سال‌هاي پيش روي مي‌داد چرا كه در زمان تدوين بانك داري بدون ربا تصريح شد كه عدم مغايرت اين قانون با شرع و ارزش‌هاي فقهي و ديني مسجل است اما براي اينكه ميزان هماهنگي و كارايي اين قانون با فعاليت‌هاي بانكداري يك دوره آزمايشي پنج ساله در نظر گرفته شد ولي اين پنج سال تا امروز به طول انجاميد.

رييس كل بانك مركزي در بخشي ديگري از سخنان خود با اشاره به شرايط امروز اقتصاد كشور توضيح داد: به نظر مي‌رسد امسال بهترين فرصت براي ايجاد تحولات لازم در اين قانون و نظام بانكي كشور باشد.

وي گفت: تراز پرداخت‌هاي خارجي كشور در سال گذشته مثبت بوده و صادارت غير نفتي هم با ٢٦/٤ درصد افزايش به ١٤/٣ ميليارد دلار مثبت رسيده است. همچنين تراز بازرگاني هم با احتساب نفت و گاز با رسيدن به ٧٣ ميليارد دلار حدود ٣٨/٥ ميليارد دلار مازاد داشته است.

وي ادامه داد: ارزش دارايي هاي خارجي با احتساب حساب ذخيره ارزي ١٧/٧ ميليارد دلار افزايش يافته است و حساب ذخيره ارزي هم ٣٨/٨ ميليارد دلار واريزي و ٢٨/١٧ ميليادر دلار برداشت داشته است كه بيشترين سهم را بخش صنعت و معدن با ٨٨ درصد و حمل و نقل با ١٠ درصد داشته‌اند.

مظاهري با اشاره به كنترل رشد نقدينگي در اواخر سال گذشته نيز گفت: بانك مركزي در نيمه دوم سال گذشته موفق شد علاوه بر مهار رشد نقدينگي تركيب نقدينگي را هم اصلاح كند تا به اين ترتيب از رشد پايه پولي از طريق تزريق پول پرقدرت جلوگيري به عمل آيد و نقدينگي لازم به جامعه از طريق نهادهاي مالي صورت گيرد.

وي تصريح كرد: پيشنهاد افزايش سرمايه بانك‌هاي دولتي در همين راستا صورت گرفت و بانك‌هاي خصوصي هم پيشنهاد افزايش سرمايه را دادند و بانك مركزي هم با آن موافقت كرد و ضمن اينكه با اعلام نظارت بر موسسه‌هاي پولي و بانكي سرمايه اوليه آنها هم از حدود ٥٠ ميليون تومان به ١٥٠ ميليارد تومان افزايش يافت كه همگي اين روش‌ها با هدف كنترل و هدايت نقدينگي صورت گرفت.

دنياى اقتصاد - چهارشنبه ٨ خرداد ١٣٨٧

تحليل
چرا پول‌ها به مسكن مي‌آيد؟

بيژن خزدوزي *
در ارتباط با افزايش حجم نقدينگي در اقتصاد كشور و تناسب افزايش حجم نقدينگي و افزايش توليد (واردات) براي مقابله با تورم كه جزو الفباي مفاهيم اقتصادي است، تاكنون به تفصيل و فراوان صحبت شده و به آن پرداخته شده است؛ اما آنچه كه شايان توجه است آنكه پول به مانند يك جريان سيال رها شده در سراشيبي است كه مسير خود را به سادگي در اولين مجاري سراشيبي رها شده پيدا خواهد كرد؛ مگر آنكه در اين مسير با احداث مجاري ديگر به هدايت آن پرداخت تا به محل يا محل‌هاي مورد نظر برسد.

با دو برابر شدن حجم نقدينگي در دو سال گذشته اين ضرورت هر چه بيشتر رخ مي‌نمايد كه تصميم‌گيرندگان و تصميم‌سازان اقتصادي كشور بايد به فكر هدايت اين وجوه باشند؛ اتفاقي كه تاكنون پيش نيامده و هيچ افق مشخصي نيز براي آن هويدا نيست. مفاهيم و موضوعات اقتصادي به مثابه يك موجود زنده و در ارتباط تنگاتنگ با هم عمل مي‌نمايد و توجه به هر يك بايد همراه با تاثير در ديگر بخش‌ها مورد تحليل و بررسي قرار گيرند.

در شرايط فعلي شخصي با حدود يك‌ميليارد تومان سرمايه و با ورود به بازار مسكن و با قيمت متوسط هر مترمربع مسكن يك‌ميليون و ۵۰۰هزار تومان مي‌تواند حدود ۷۰۰مترمربع ساختمان را خريداري كند و با فرض آنكه دوره متوسط نگهداري و فروش املاك دو ماه در نظر گرفته شود، مي‌تواند حدود ٤هزار و ۲۰۰مترمربع ساختمان را در طول يك دوره مالي (يكسال) خريد و فروش نمايد.

براي خريد ٤۲۰۰مترمربع ساختمان مذكور با همان سرمايه اوليه و با متوسط مترمربع يك‌ميليون و ۵۰۰هزار تومان اشاره شده، گردش مالي بالغ بر شصت و سه ميليارد ريال حاصل مي‌شود و چنانچه شخص وارد شده به بخش مسكن بسيار منصف باشد و تنها حدود ۱٦/٦۷درصد سود از معاملات خود دريافت نمايد، سود كسب شده وي معادل مبلغ سرمايه‌گذاري اوليه‌اش خواهد شد؛ يعني ۱۰ميليارد و ۵۰۰ميليون ريال.

اما نكته مهم در بحث مالياتي موضوع آن است كه با توجه به قوانين موجود مبناي احتساب ماليات نقل و انتقال املاك بر اساس ارزش معاملاتي كه حدود يك پنجاهم ارزش روز املاك است محاسبه و اخذ مي‌شود، حداكثر ماليات پرداختي از سوي شخص مذكور حدود ٦۳ميليون ريال خواهد بود. (اگر نسبت به سود كسب شده سنجش كمتر از يك‌درصد خواهد شد).

حال فرض كنيد شخصي در بخش توليد به فعاليت اقتصادي پرداخته باشد و همين مبلغ سود را نيز كسب كرده باشد (جدا از آنكه تصور اين نكته بسيار ساده است كه كسب يك‌ميليارد تومان سود در بخش توليد نيازمند سرمايه‌گذاري چندين برابر مبلغ مورد نياز و محتاج مديريت گسترده تحمل ريسك بالا و ... نسبت به كسب‌وكار در بخش مسكن مي‌باشد) از سود مذكور با نرخ‌هاي موجود مالياتي ۲۵درصد كه ۲ميليارد و ٦۲۵ميليون ريال خواهد شد ماليات مطالبه مي‌شود.

بنابراين و به زعم نگارنده اين سطور در سيستم اقتصادي موجود در كشور ما، اشخاصي كه به سرمايه‌گذاري در بخش توليد اقدام مي‌كنند، جريمه سنگيني شده و به اين وسيله وادار به فعاليت در ديگر بخش‌هاي اقتصادي مي‌شوند كه مشمول چنين جرايمي نشوند!

راه حل ارائه شده در روزهاي اخير از سوي دولت اخذ ماليات ۳۵درصدي از خريد و فروش املاك بوده است. در اين رابطه بايد به نكات و موارد زير توجه كافي داشت:

۱ - هدف اوليه قانون‌گذار از اخذ ماليات نقل و انتقال املاك به نرخ ۵درصد ارزش معاملاتي جلوگيري از افزايش قيمت املاك ناشي از اخذ ماليات بوده است كه با طرح فوق مطالبه ماليات خود يكي از عوامل گراني املاك به‌طور عام خواهد بود.

۲ - چون محدوديتي در اخذ ماليات نقل و انتقال وجود ندارد و به‌تعداد دفعات خريد و فروش، ماليات نقل و انتقال نيز مطالبه مي‌شود و با فرض آنكه ارزش افزوده و سود ايجاد شده در بار اول پانصد ميليون ريال باشد، ماليات آن يكصد و هفتاد و پنج ميليون ريال خواهد بود. چنانچه اين ساختمان دوبار در سال مورد خريد و فروش واقع شود، ماليات آن با سود يكسان، سيصد و پنجاه ميليون ريال است كه به قيمت‌ها افزوده مي‌شود.

۳ - در جريان واقعي خريد و فروش مسكن، عملا فروشندگان مخارج نقل و انتقال و از جمله ماليات را به‌عهده خريدار موكول مي‌نمايند و در شرايطي كه خريدار شخصي باشد كه براي اولين‌بار اقدام به خريد مسكن مي‌نمايد، عملا پرداخت‌كننده ماليات بوده و فشار به وي منتقل خواهد شد.

٤ - فشار نهايي ناشي از اخذ ماليات از سود ايجاد شده از خريد و فروش مسكن درنهايت به‌خريدار تحميل مي‌شود؛ زيرا تبعات درج قيمت واقعي در اسناد مالكيت موجب افزايش هزينه‌هاي دفترخانه و ثبتي و اخذ عوارض شهرداري نيز مي‌شود.

بنابراين و باتوجه به موارد فوق، به‌جاي آنكه به موارد برخورد با مفاهيم اقتصادي كه به صورت غيركارشناسي شده و بعضا دستوري تلاش درجهت رفع مشكلات شود كه نتيجه عكس داده‌اند، بهتر است با بررسي همه‌جانبه موارد و تشويق سرمايه‌گذاري در ديگر بخش‌ها و تعديل ماليات در بخش‌هاي مولد اقتصادي (درحال حاضر نرخ ماليات اشخاصي حقوقي در بخش خدمات، بازرگاني و توليد به‌صورت يكسان و ۲۵درصد مي‌باشد) به‌صورت اساسي به ارائه راه‌حل اقدام كرد.

* عضو هيات علمي دانشگاه و كارشناس مسائل مالي و اقتصادي

دنیای اقتصاد - چهارشنبه ۸ خرداد ۱۳۸۷

با حضور رييس‌جمهور نهايي شد
كنترل معاملات مسكن با سه ابزار مالياتي

ماليات تركيبي بر معاملات مسكن، از ۲۵آذر ماه، اجبار به درج قيمت واقعي در اوراق معاملات از ۱۵مهر ماه ومحاسبه ماليات بر نقل و انتقالات به قيمت روز.

پايان گمانه‌زني‌ها از چيستي برنامه جديد دولت
سه ابزار مالياتي از نيمه دوم سال معاملات مسكن را كنترل مي‌كند
ماليات تركيبي بر معاملات مسكن، از ۲۵آذر ماه
اجبار به درج قيمت واقعي در اوراق معاملات از ۱۵مهر ماه
محاسبه ماليات بر نقل و انتقالات به قيمت روز.
فريد قديري

شوراي‌عالي مسكن دوشنبه شب در جلسه‌اي كه گفته مي‌شود رييس‌جمهوري نيز در آن حضور داشته، نسخه سوداگران بازار مسكن را پيچيد و بدين ترتيب بورس بازي و احتكار ملك مطابق روشي كه سال‌ها است در برخي كشورها اجرا مي‌شود، از بازار مسكن حذف خواهد شد.
سوداگران بازار زمين و مسكن گروهي هستند كه با خريد و فروش پي‌درپي و در فواصل كوتاه يا خريد ملك و نگهداري آن به صورت خالي از سكنه به اميد افزايش قيمت، سودهاي سرشاري از اين راه كسب مي‌كنند.
اين گروه با فعاليت‌هايش روند طبيعي بازار براي متقاضيان واقعي مسكن را مخدوش مي‌كند و باعث التهاب در قيمت‌ها مي‌شوند.
شوراي‌عالي مسكن با توجه به همين واقعيت و به دنبال جلسات و بررسي‌هاي پي‌درپي طي چند ماه گذشته سرانجام دوشنبه شب اجراي سه پروژه مالياتي را از نيمه دوم براي معاملات مسكن تصويب كرد.
ماليات بر معاملات مكرر و بر افزايش قيمت ملك، ثبت قيمت واقعي در اوراق معاملات توسط بنگاه‌هاي املاك و همچنين محاسبه ماليات نقل و انتقال به قيمت روز محور جزئيات بسته شوراي‌عالي مسكن (به نيابت از دولت) براي ساماندهي بازار مسكن است.
به گزارش دنياي اقتصاد غائله حدس و گمانه‌زني درباره برنامه جديد دولت سرانجام با انتشار بخش كوچكي از آنچه دوشنبه شب در جلسه شوراي عالي مسكن به تصويب رسيد، ختم شد.
شوراي عالي مسكن كه مصوبات آن حكم تصميم‌گيري‌هاي هيات دولت را دارد، دوشنبه شب در جلسه‌اي با حضور رييس‌جمهور ماليات بر معاملات مسكن را براي اجرا از آذر ماه تصويب كرد. مردم، فعالان بازار مسكن و به خصوص گروه پرنفوذ سوداگر در اين بازار ماه‌ها است كه در انتظار انتشار اين خبر به سر مي‌برند.
اين انتظار طي چند هفته گذشته كه قول اعلام سياست‌هاي جديد بارها و بارها داده شد، تشديد نيز شده است.
گزارش خبرگزاري فارس از جزئيات جلسه دوشنبه شب شوراي عالي مسكن حاكي است: از ابتداي آذر ماه سال جاري خريد و فروش مسكن طي سه مرحله و بيشتر شغل محسوب شده و از اين افراد ماليات گرفته مي‌شود.
اعضاي ۱۳ نفره شوراي عالي مسكن در جلسه دوشنبه شب اين شورا مصوب كرد: خريد و فروش مسكن در سه مرحله و بيشتر به عنوان شغل محسوب و از افراد حقيقي و حقوقي مربوط ماليات اخذ شود.
بنابراين گزارش، افرادي كه از تاريخ اول آذر ماه امسال در سه مرحله و بيشتر اقدام به خريد و فروش مسكن نمايند، اين فعاليت به عنوان شغل براي آنها محسوب شده و فرد حقيقي يا حقوقي موظف به پرداخت ماليات است.
در اين جلسه مصوب شد: اشخاص حقيقي كه اقدام به خريد و فروش مسكن كنند ۲۵ تا ۳۰درصد و اشخاص حقوقي نيز ۲۵درصد از مابه‌التفاوت خريد و فروش مسكن را به عنوان ماليات پرداخت كنند.
همچنين در جلسه شوراي عالي مسكن مصوب شد اوراق قولنامه مسكن از تاريخ ۱۵مهرماه امسال به صورت رسمي تنظيم شده و قيمت واقعي مسكن در آن قيد شود.
در ادامه مقرر شد: براي ثبت سند از اوراق قولنامه‌اي كه توسط بنگاه‌هاي معاملات ملكي تنظيم شده؛ استفاده گردد. براين اساس با درج قيمت واقعي در قولنامه و انتقال آن به سند، ماليات نقل و انتقال بايد به روز و با قيمت واقعي پرداخت شود.
به گزارش دنياي‌اقتصاد، شوراي عالي مسكن اجراي طرح اخذ ماليات را به نيمه دوم سال موكول كرده تا با اجراي آن با تاخير زماني، فرصتي براي تقاضاهاي سوداگرانه ايجاد شود تا املاك خود را بدون وجود بار مالياتي در بازار عرضه كنند.

تحليل گروه مسكن دنياي‌اقتصاد از تدابير مالياتي دولت براي بازار مسكن اين است كه در آن از هر دو نوع مالياتي كه در ساير كشورها براي معاملات مسكن كاربرد دارد، استفاده شده است. به عبارت ديگر قرار است از آذرماه امسال دو نوع ماليات بر معاملات مكرر و ماليات بر افزايش ارزش زمين و مسكن (CGT) به اجرا دربيايد.
وضع تركيبي اين ماليات‌ها باعث مي‌شود همه راه‌ها براي كسب سودهاي يك‌شبه و مخرب در حوزه مسكن مسدود شود.
جالب آنكه در بسته مالياتي دولت از انجام معاملات قولنامه‌اي كه راهي براي فرار از ماليات است، جلوگيري شده است.
با توجه به اينكه ملك اول هر فرد معاف از پرداخت اين ماليات است، لذا ماليات تنها تقاضاي سوداگرانه را هدف قرار داده است و هزينه اين نوع تقاضا را در بازار افزايش مي‌دهد.
طرح ماليات بر معاملات مسكن سال‌ها است در برخي از كشورها اجرا مي‌شود.
در فرانسه معادل ١٦درصد قيمت ملك، در آمريكا بر اساس قيمت پايه ملك، در كره جنوبي معادل ٦٠درصد و در اسپانيا معادل ٣٥درصد ارزش واقعي ملك از افراد در هنگام فروش ملك ماليات اخذ مي‌شود.
دنياي اقتصاد روز گذشته تلاش زيادي كرد تا درباره مصوبه شوراي عالي مسكن از وزارتخانه مرتبط با اين حوزه اطلاعاتي كسب كند كه متاسفانه با سكوت مطلق دوستان وزارت مسكن روبه‌رو شد.

, ۱۳۸۷/۰۳/۰۸

در گفتگو با مهر ابراز شد:
اخذ مالیات سنگین از معاملات مکرر مسکن از نگاه کارشناسان

در حالی که برخی از کارشناسان بخش مسکن اجرای مصوبه اخیر شورای عالی مسکن در رابطه با اخذ مالیات ۲۰ تا ۳۰ درصدی از اشخاصی که در سه مرحله اقدام به خرید و فروش مسکن می کنند را دارای تاثیرات منفی بر بازار مسکن دانستند برخی دیگر از تاثیرات مثبت آن بر این بازار گفتند.
به گزارش خبرنگار مهر، مصوبه اخیر شورای عالی مسکن در رابطه با اخذ مالیات ۲۰ تا ۳۰ درصدی از اشخاص حقیقی و حقوقی که خرید و فروش مسکن را در سه مرحله انجام دهند، از سوی برخی از کارشناسان مسکن مورد بررسی قرار گرفت.

رئیس انجمن انبوه سازان مسکن و ساختمان کشور در خصوص مصوبه اخیر شورای عالی مسکن بیان کرد: تولیدکنندگان مسکن در تمام نقاط دنیا معاف از پرداخت عوارض و مالیات هستند و این ابزار تشویقی برای تولید منجر به ایجاد تعادل در بازارمسکن می شود، این در حالی است که در سالهای اخیر سود حاصل از تولید مسکن در کشور نصیب دلالان شده است.

مجتبی بیگدلی افزود: مصوبه اخیر شورای عالی مسکن مسیر مالیات را ازسوی تولیدکنندگان مسکن به سمت سوداگران این بخش هدایت می کند و این امر تبعات مثبتی بر بازارمسکن برجای خواهد گذاشت؛ زیرا خرید و فروش مسکن درسه مرحله برای آنان سودآور نخواهد بود.

علیرضا سرحدی یکی از کارشناسان مسکن با اشاره به افزایش قیمت مسکن به دنبال اجرای مصوبه مذکور اظهارداشت: پرداخت هزینه حتی به عنوان مالیات از سوی تولیدکنندگان مسکن سبب افزایش قیمت مسکن برای خریداران و مصرف کنندگان می شود و اجرای این مصوبه تاثیر مستقیم بر بازار خرید و فروش مسکن نخواهد داشت.
کارشناس مسکن افزود: اخذ مالیات از سوداگران بخش مسکن در نهایت بر روی قیمت مسکن تاثیرمنفی بر جای می گذارد و مشکلات این بخش را دو چندان می کند.
احمد رضا عاملی از دیگر کارشناسان بخش مسکن درمورد مصوبه شورای عالی مسکن اظهار داشت: آنچه مسلم است شورای عالی مسکن با این مصوبه سعی در تحقق تثبیت قیمتها در بازار مسکن و کند شدن روند افزایشی آن را دارد؛ اما اتخاذ سیاستهای ناگهانی با عوارض جانبی برای بخش مسکن همراه خواهد بود.
وی تصریح کرد: اجرای این مصوبه گرچه ممکن است به تثبیت قیمتها منتهی شود؛ اما به طور حتم سمت و سویی مغایربا این هدف نیز درآن نهفته است که می تواند تاثیرات منفی براین بازار داشته باشد.

رييس كل بانك مركزي:
* طرح كمدقت ادغام بانك‌ها به مرحله اجرا نمي‌رسد
* بانك‌ها ديگر بازخريد قبل از سررسيد اوراق مشاركت را تضمين نمي‌كنند

۰۸/۰۳/۱۳۸۷

رييس كل بانك مركزي تاكيد كرد: هر نوع تغيير، ادغام، تفكيك و تغيير، انحلال، فعاليت، افزايش سرمايه در هر بانكي اعم از دولتي و خصوصي منوط و موكول و مشروط به تاييد بانك مركزي است.

به گزارش خبرنگار خبرگزاري دانشجويان ايران (ايسنا) طهماسب مظاهري در حاشيه نشست هيات دولت افزود: همه مردم مطمئن باشند كه هر كاري بخواهد انجام شود حتما پخته، سنجيده و با نظرخواهي از صاحب نظران در سطح دولت و مملكت انجام مي شود هم چنين روال قانوني آن طي مي‌شود.

*** آخرين ديدگاه‌ها درباره انتشار اوراق مشاركت**

مظاهري درباره انتشار اوراق مشاركت و سرنوشت آنها نيز گفت: اوراق مشاركتي به آن معنا كه چاپ مي شود يعني پولي را از مردم گرفته‌اند و تعهد باز پرداخت آن را در قالب اوراق مشاركت داده‌اند وزارتخانه‌ها هر پولي كه مي خواهند از مردم بگيرند بايستي در قالب قانون‌شان و قانون بودجه باشد. لذا وزارتخانه‌ها مجازند براساس سقف و مجوزي كه قانون بودجه امسال داده است به انتشار اوراق مشاركت مبادرت ورزند.

رييس كل بانك مركزي تصريح كرد: در واقع در سقفي كه هر قانون بودجه پيش بيني شده وزارتخانه‌ها از جمله وزارت اقتصاد مي‌توانند اوراق مشاركت چاپ كنند.

مظاهري گفت: نكته ظريف آن اين است كه ضابطه چاپ اوراق مشاركتي كه امسال خواهيم داشت، نسبت به سال گذشته اين تفاوت دارد كه بانك عامل تضمين بازخريد قبل از سر رسيدش را انجام نمي‌دهد. اگر تضمين بازخريد قبل از سر رسيد بخواهد انجام شود يا خواهان ناشر اين كار را بايد انجام دهد و يا اينكه خريداران با هماهنگي كه بورس انجام شده اگر قبل از سر رسيد بخواهند اوراق مشاركت خود را بفروشند بايد در بورس از طريق يك خريدار منتقل شود.

او عنوان كرد: مكانيزم و ساز و كار آن هم با بورس و وزارت اقتصاد هماهنگ شده و اميد است كه بتواند عملياتي شود و اين تفاوت اصلي است.

وي در خصوص ميزان استقبال از اين مساله اظهار كرد: اينكه اين مساله چه تاثيري در استقبال مردم مي گذارد، مستقل از اين يك كار اصلاحي است كه منابع سيستم بانكي براي پرداخت اعتبارات دولتي يا يك نوع كسري بودجه مصرف نشود چرا كه به آن شكلي كه قبلا بود عملا بخشي از منابع بانك مصروف اين نياز دولت مي‌شد.

مظاهري گفت: لذا امسال بنا داريم كه در كنار اين كه بانك‌ها را موظف مي كنيم در حد منابع خودشان تعهداتي انجام دهند منابع بانك ها راهم در براي سرمايه گذاري بخش خصوصي و حفظ اشتغال موجود هدايت مي‌كنيم.

وي تاكيد كرد: منابع سيستماتيكي امسال در اولويت اول براي حفظ اشتغال موجود، فعال ماندن و فعال تر شدن صنايع و واحدهاي توليدي و در درجه دوم براي ايجاد واحدهاي جديد مصرف مي‌شود. لذا اين كار دو خاصيت دارد يكي اين كه منابع سيستم بانكي به اندازه اوراق مشاركت ديگر به مصارف بودجه‌اي دولت نمي رود دوم اين كه با اين كار حداقل هزينه فرصت براي سرمايه گذاران كه در قالب اوراق مشاركت تعريف مي شد تغيير مي كند و تشويق مردم و سرمايه گذاري را در بورس يا سيستم بانكي را بيشتر مي كند.

*** اسكناس ۱۰ هزاري مي‌آيد**

وي همچنين درباره زمان انتشار اسكناس ۱۰ هزار توماني گفت: انتشار اسكناس‌هاي ۱۰ هزار توماني هنوز نهايي نشده و همچنان در حال فعاليت براي انتشار آنها هستيم كه پس از نهايي شدن به اطلاع خواهد رسيد.

* طرح كم دقت به مرحله اجرا نمي‌رسد

او در واكنش به اين سوال كه علت مخالفت شديد شما با طرح ادغام بانك‌ها و ايجاد بانك‌هاي قرض الحسنه چه بوده است؟ گفت: به اين شدتي كه شما مي‌گوييد نبوده البته معتقدم بيان اين موضوع بااين شدت قطعا موجب اختلاف مي‌شود لذا بهتر است سوالات را كارشناسي بپرسيد.

مظاهري ادامه داد: بهتر است جواب اين گونه باشد كه طرحي كه به عنوان پيش نويس از سوي چند كارشناس نوشته شده طرح كم دقتي بوده كه هم از سوي وزارت اقتصاد و هم از سوي ما تكذيب شد و هردو آن را غير واقعي دانستيم بنابراين عكس‌العمل وزارت اقتصاد و بانك مركزي هم جهت بوده و معناي آن اين است كه متن ارائه شده دقيق و حساب شده نبوده است. چرا كه هر دو عبارت جعلي را به كار برديد از اين جهت كه اين طرح مصوبه دولت نبوده است اما يك طرح كارشناسي كم تجربه از سوي چند كارشناس كه آشنايي با مبناي بانكي نداشته‌اند بوده است.

وي تصريح كرد: چاپ اين موضوعات در رسانه‌ها براي برخي نگراني‌هايي را ايجاد كرد از سويي يقينا مديريت اقتصادي كشور به اين نقطه رسيده كه اين طرح كم دقت به مرحله اجرا نمي‌رسد و اگر هم قرار است طرحي ايجاد شود قطعا هم وزارت اقتصاد در خصوص آن كار مطالعاتي انجام خواهند داد و در مرحله بعدي نيز هر نوع تغييراتي مشروط به تاييد بانك مركزي خواهد بود.

با وجود تاکید دولت بر واردات گسترده برنج از مرزهای شرقی؛

گرانی برنج ادامه دارد!

آفتاب: یک عضو کمیسیون کشاورزی اعلام کرد وزارت کشاورزی گزارشی در خصوص زمین‌های برنجی که به دلیل خشکسالی هنوز زیر کشت نرفته را به مجلس ارائه نکرده است.

محمد علی حیدری شلمانی در گفت و گو با خبرنگار اقتصادی آفتاب، افزود: «برای اینکه سال آینده لطمه‌ای به میزان محصول برنج داخلی وارد نشود کشاورزان باید از طریق حفر چاه و پمپ آب به مزارع خود با خشکسالی مقابله کنند».

این نماینده مجلس هفته گذشته از به زیر کشت نرفتن ۳۰ درصد از زمین‌های شمال در کمتر از ۵ روز به پایان فصل کشت به دلیل خشکسالی خبر داده بود.

حیدری همچنین تاکید کرده بود که نمایندگان در انتظار گزارش وزارت کشاورزی از میزان زمین‌های زیر کشت امسال هستند تا در صورت تایید کاهش شدید زمین‌های زیر کشت اقدامات سریعی برای آبیاری مزارع صورت گیرد.

این نمایند

" موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی از استفاده بی‌رویه از پول نفت برای واردات محصولاتی چون برنج انتقاد کرده است. ... "

همچنین با اشاره به افزایش واردات برنج به دلیل کاهش احتمالی محصول سال جاری گفت: «برنج‌های خارجی به دلیل کیفیت پایین‌تر نسبت به برنج داخلی نمی‌توانند جایگزین مصرف داخلی شوند».

وی در پاسخ به این سوال که اگر ذائقه مردم مانند چای به برنج هندی و پاکستانی نیز عادت کند آیا تولید داخلی به خطر نخواهد افتاد؟ گفت: «مردم خود متوجه شده‌اند که چای مورد استفاده خارجی آنها تا چه اندازه از نظر رعایت

بهداشت و استفاده از سموم ناسالم است. بنابراین احتمال تغییر ذائقه حتی باوجود افزایش قیمت، منتفی به نظر می‌رسد».

حیدری همچنین زمان ماندگاری برنج در انبارها را ۲دو سال دانست و افزود: «در صورتی که برج‌های وارداتی بیش از دو سال در انبار بمانند کیفیت اولیه خود را از دست داده و بعد از مدتی غیر قابل استفاده خواهند شد».

اخیرا دولت با اتخاذ سیاست‌هایی واردات برنج را تسهیل کرده است. برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که با وجود گرانی قابل توجه برنج ایرانی و واردات برنج‌های هندی آینده این محصول سنتی به خطر خواهد افتاد.

در این زمینه موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی از استفاده بی‌رویه از پول نفت برای واردات محصولاتی چون برنج انتقاد کرده است.

وی با انتقاد از وضعیت اقتصادی کشور یادآور شده است: در دولت اصلاحات از نظر میزان تولید گندم به خودکفایی رسیدیم اما در سال جاری دولت برای تامین گندم مورد نیاز باید دو تن گندم وارد کند.

وزیر اسبق کشور تاکید کرده است: «پول نفت نباید صرف واردات مواد جزئی چون موادغذایی، برنج، انگور و سیب زمینی شود».

اما اسکندر وزیر جهاد کشاورزی دولت با کاذب خواندن قیت برنج نهم می‌گوید: «کار خرید و توزیع برنج در کشور بر عهده بخش خصوصی است و این امر در کنار بسیاری موارد دیگر باعث افزایش ناگهانی قیمت برنج در کشور شده است».

در همین حال یک توزیع کننده برنج در پاسخ به اینکه آیا قیمت برنج آنگونه که برخی مسئولان اعلام کرده‌اند ارزان شده است به خبرنگار اقتصادی آفتاب گفت: متاسفانه باید گفت که قیمت برنج با کیفیت ایرانی همچنان گران است.

وی افزود: «با افزایش واردات تنها قیمت برنج‌های خارجی که برخی از آنها کیفیت مناسبی نیز ندارند اندکی ارزان شد».

او تاکید می‌کند: «اکنون تمامی برنج‌هایی که دربازار عرضه می‌شوند مربوط به واردات سال گذشته است. بنابراین باید گفت که برنج سال گذشته با قیمت چند برابر به فروش می‌رسد و این به معنای وجود ارزانی در بازار نیست».

به اعتقاد این توزیع کننده با شتابی که بازار به سمت گرانی گرفته است در صورت کاهش محصولات داخلی بر اثر خشکسالی باید انتظار افزایش بیشتر و روز به روز قیمت برنج با کیفیت ایرانی را نیز داشت.

سرمایه - روز پنجشنبه نهم خرداد ماه سال ۱۳۸۷

نان، برنج، لبنيات، ماكاروني، پودر شوينده و ...
گراني سر سفره مردم

كارشناسان اقتصادي در كشورهاي مختلف جهان دولت ها را به ايجاد فضاي كسب و كار مناسب، متناسب كردن شاخص هاي كلان اقتصادي از جمله حجم پول، نرخ سود بانكي، نقدينگي، تورم، تسهيلات بانكي، افزايش پس انداز ملي و جذب سرمايه گذاري خارجي توصيه مي كنند تا از طريق ايجاد شرايط مناسب در بازار كسب و كار سرمايه گذاري بخش خصوصي، مصرف، تقاضا، توليد و اشتغال افزايش يابد و زمينه ايجاد تعادل در عرضه و تقاضاي بازار كالاهاي مصرفي، بادوام و سرمايه اي فراهم شود و دولت از هرگونه دخالت در اقتصاد، قيمت گذاري نامناسب، شركت داري و بانكداري و تجارت پرهيز كند.

اما به عقیده برخی کارشناسان اقتصادی ایران، دولت ها در طول سه دهه گذشته با دخالت پرنوسان، قیمت گذاری ها و تصمیم گیری های مختلف زمینه را برای متناسب کردن شاخص های اقتصاد کلان و محیط مناسب کسب و کار فراهم نکرده اند و به خصوص از طریق سیاست های دستوری در سه سال گذشته بر حجم بودجه دولت، وابستگی به نفت و در نتیجه واردات کالاهای خارجی بیشتر، رشد نقدینگی، پایه پولی و تورم، برداشت از حساب ذخیره ارزی افزوده شد و از طریق تعیین دستوری نرخ سود بانکی، کاهش سهم عقود مبادله ای در تسهیلات بانکی و فشار بر بانک ها برای پرداخت تسهیلات به طرح های زودبازده و ... زمینه افزایش سطح زندگی و خط فقر به ۶۰۰ تا ۷۸۰ هزار تومان در شهرهای مختلف فراهم شده و تعداد بیشتری از افراد و حقوق بگیران احساس فقر می کنند و اجاره مسکن، قیمت ملك و زمین و مسکن به شدت افزایش یافته و سرمایه گذاری ها به جای تولید، ورود به بورس و صنعت به سمت زمین و مسکن گرایش یافته است.این وضعیت اخیراً پا را از حوزه کلان و بخش مسکن فراتر گذاشته و به بازار کالاهای موجود در سبد خانوار رسیده و از چند ماه گذشته عدم تعادل به بازار پودر شوینده و برنج نیز سرایت کرده است. به عقیده کارشناسان دولت براي رفع آن بايد تصميم گيري و سياست گذاري ها را سامان بدهد و با ايجاد محيط مناسب كسب و كار و پرهيز از سياست هاي دستوري و قيمت گذاري نامناسب زمينه ايجاد تعادل در بازار و هدايت آن را با تدبير خود در دست بگيرد.

برخي كارشناسان معتقدند تشديد مشكلات اقتصادي كشور طي ماه هاي اخير عاملي براي انحراف دولت از وظيفه اصلي خود يعني نظارت و سياستگذاري كلان در كشور بوده و وقت مسوولان را بيشتر به حل مشكلات خرد كشور و تلاش براي حفظ و تنظيم سبد خانوار معطوف كرده است. به اين ترتيب تعريف وظايف دولت تغيير كرده و رفع موانع موجود در بازار محصولاتي مانند برنج، گوجه فرنگي، پودر شوينده، مرغ و تخم مرغ به يكي از اصلي ترين وظايف و دغدغه هاي دولتمردان تبديل شده است. اين در حالي است كه طي يكي دو سال گذشته ناتواني دولت در اجراي طرح هاي بزرگ اقتصادي از جمله كنترل تورم و نقدينگي، افزايش حساب ذخيره و كاهش وابستگي به نفت، جذب سرمايه گذاري خارجي واقعي تشديد شده و اين مساله نيز تاثيراتي را بر تامين نياز كشور به كالاهاي مختلف و در نتيجه افزايش حجم واردات در پي رشد نقدينگي به همراه داشته است. در چنين وضعيتي در كنار بحث توقف توليد گوشي تلفن همراه و پارچه چادر مشكي كه همواره به عنوان يكي از مهم ترين سياست هاي صنعتي و ارزشي دولت نهم مطرح بوده موضوع تغيير ناگهاني تعرفه واردات برنج و در پي آن دو برابر شدن قيمت اين محصول در داخل و همچنين رشد بهاي مرغ، تخم مرغ و پودر شوينده چالش هايي را براي سبد كالاي خانوار ايجاد كرده است.

در پي آزادسازي قيمت پودر شوينده و حذف يارانه اين محصول به منظور جلوگيري از هرگونه سوءاستفاده احتمالي برخي واحدهاي توليدي، شركت هاي پخش و عوامل خرده و عمده فروشي، با هماهنگي تشكل هاي صنعت پودر و وزارت بازرگاني با در نظر گرفتن حداقل قيمت تمام شده نرخ انواع پودر شوينده دستي ۵۰۰ و انواع ماشيني ۷۰۰ تومان تعيين شد. تا پيش از اين قيمت اين پودرها ۲۵۰ و ۳۵۰ تومان بود.

حسين راغفر عضو هيات علمي دانشگاه الزهرا در اين مورد در گفت وگو با «سرمايه» مي گويد: «عملكرد دولت طي سال هاي اخير نشان مي دهد شعارهاي عدالت محوري مسوولان تنها پوششي براي انجام اقدامات ضدعدالت بوده و اعمال سياست هاي اقتصادي نامناسب باعث شده تا خانوارهايي كه از نظر اقتصادي در نزديكي خط فقر بوده اند وارد محدوده خط فقر شوند.»

وي با اشاره به مطرح شدن بحث آزادسازي قيمت پودرشوينده طي روزهاي اخير اظهار مي كند: «پودر شوينده كالايي است كه همه خانوارهاي جامعه به ويژه طبقات پايين به عنوان يك كالاي اساسي به آن نياز دارند در واقع يك محصول اصلي براي يك زندگي متعارف محسوب مي شود.»

وي با اشاره به شعارهاي دولت مبني بر كنترل تورم و افزايش سطح رفاه خانوار تاكيد مي كند: «اقدامات دولت بيشتر در جهت تقويت دلال گري و ضد توليد بوده و به جاي پرداختن به مسايل اساسي مانند اشتغالزايي و رفع فقر و نابرابري اجتماعي، بيشتر به اقدامات جزيي مانند رفع مشكلات مربوط به توزيع تخم مرغ، گوجه فرنگي و گوشت توجه شده است.»

راغفر تاكيد كرد: «با توجه به اتفاقات صورت گرفته بايد منتظر تبعات منفي و جدي تري بود و انتظار مي رود سياست هاي دولت آثار تورمي جدي بر رفاه خانوار به ويژه كاهش سطح رفاه طبقات پايين و متوسط جامعه داشته باشد.» به گفته اين كارشناس افزايش دو برابري نرخ پودر شوينده تاثيرات منفي بر قيمت ساير كالاها خواهد داشت و در حالي افزايش قيمت ها را شاهد هستيم كه حقوق و دستمزد كاركنان رسمي دولت رشدي نداشته است.»

وي مي افزايد: «دولت مي توانست درآمد ناشي از افزايش قيمت نفت را صرف سرمايه گذاري در حوزه هاي گسترده كند و به اين ترتيب زمينه مشاركت بخش خصوصي را فراهم كرد تا از فرار سرمايه ها نيز جلوگيري شود.»

-

كمبود پودر شوينده در بازار تصنعي است

ايجاد اختلال در بازار پودر شوينده و كمبود اين محصول در پي آزادسازي قيمت آن از جمله مواردي است كه طي روزهاي اخير مصرف كنندگان را با مشكلاتي روبه رو كرد و در اين ميان دستگاه هاي نظارتي نتوانستند وظيفه خود را به خوبي ايفا كنند. با حذف يارانه پودر شوينده بازار با كمبود عرضه اين كالا روبه رو شد و همين مساله در برخي نقاط كشور باعث افزايش قيمت پودر شوينده شد كه اين قيمت گاهي تا هزار تومان نيز رسيد. دليل اصلي اين اتفاق

توقع بيش از حد عوامل توزيع مبني بر رشد قيمت ها در روزهاي پس از آزادسازي قيمت پودر بود كه به همين منظور از عرضه اين محصول خودداري كردند تا قيمت هاي جديد مشخص شود و به اين ترتيب به سود بيشتري دست يابند.
حسن كبيري، عضو شوراي توليدكنندگان پودر شوينده در اين خصوص به خبرنگار «سرمايه» مي گويد: «كمبود پودر شوينده در بازار يك كمبود تصنعي است و دليل اصلي آن وجود برخي مشكلات در شبكه توزيع است.» وي با بيان اينكه «توليدكنندگان براي توليد مناسب و مطابق با نياز كشور به دولت تعهد داده اند»، اظهار داشت: «توليد طي دوماه اول امسال تقريباً برابر با ميزان توليد در مدت مشابه سال قبل بوده است.» به گفته وي قيمت هاي جديد پودر شوينده يعني نرخ ۵۰۰ توماني براي پودر دستي و ۷۰۰ تومان براي پودر ماشيني از ابتداي خرداد روي محصولات توليدي چاپ شده كه اين نرخ ها به سود مصرف كننده و توليدكننده خواهد بود همان طور كه بازار مايع ظرفشويي هم اكنون داراي تعادل است. بازار پودر شوينده نيز به زودي به تعادل خواهد رسيد. كبيري معتقد است: «افزايش ناگهاني قيمت پودر شوينده طي روزهاي اخير ناشي از يك شوك اوليه بوده كه با مطرح شدن آزادسازي قيمت ها به بازار وارد شد و برخي توزيع كنندگان، عرضه اين محصول را متوقف كردند اما توليدكنندگان از فروش كالاي خود ممانعت نكردند و فقط روز دوشنبه عرضه اي توسط توليدكنندگان صورت نگرفت تا وضعيت قيمت ها مشخص شود.» وي به احتكاركنندگان پودر شوينده توصيه كرده محصولات انبارشده خود را هرچه سريع تر در بازار عرضه كنند چرا كه قيمت ها از ميزان مشخص شده بالاتر نخواهد رفت و تاخير در فروش اجناس تنها باعث خواب سرمايه و ضرر فروشندگان خواهد شد.

-

توزيع پودر شوينده به اصناف مربوط نمي شود
اما قاسم نوده فراهاني رئيس مجمع امور صنفي توزيعي تهران، در مورد ممانعت برخي خرده فروشان از عرضه پودر شوينده و نظارت سازمان بازرسي و اصناف بر توزيع اين واحدها معتقد است: «مسائل پودر شوينده، توزيع و قيمت گذاري آن مربوط به اصناف نمي شود زيرا آماري از ميزان توزيع پودر شوينده و واحدهايي كه پودر شوينده براي توزيع به آنها عرضه مي شود به سازمان بازرسي و نظارت اصناف ارائه نشده است.»
وي در گفت وگو با «سرمايه» تصريح كرد: «توزيع پودر شوينده نيز از طريق انجمن صنفي توليدكنندگان پودر شوينده انجام مي شود.»
معاونت هماهنگ كننده بازرسي و نظارت شوراي اصناف كشور با اشاره به آنكه در بحران قبلي كمبود پودر شوينده، از انجمن صنفي تقاضاي آمار شده بود، گفت: «اگر كمبودي احساس شده و نياز به نظارت حس مي شود بايد آمار توليد، توزيع، چگونگي حمل و نقل همچنين آمار واحدهاي پخش كننده در اختيار ما گذاشته شود تا بازرسان ما بتوانند كار نظارتي خود را انجام دهند.»

-

بازار متعادل خواهد شد
يك منبع آگاه وزارت بازرگاني نيز در گفت وگو با «سرمايه» اعلام كرد: «تصميم گيري دولت براي حذف يارانه توليد پودر شوينده و افزايش قيمت پودر باعث شد، شوك كوتاهي به بازار وارد شود بنابراين با گذشت از اين مرحله قيمت ها به مرزهايي كه اعلام شده است برمي گردد و بازار پودر شوينده متعادل مي شود.»
وي ادامه داد: «ديروز بازار مولوي و مراكز عرضه كننده عمده پودر شوينده مملو از پودر شوينده بود و طي چند روز آ ينده، قيمت ها متعادل خواهد شد.»
اين منبع آگاه اضافه كرد: «حذف يارانه پودرشوينده باعث شد خلل كوتاهي در توزيع و عرضه پودر شوينده ايجاد شود چرا كه روي بسته هاي پودر شوينده توليد شده، قيمت قديمي درج شده بود و قرار شد تا ميزان يارانه اي كه به اين پودرها تعلق مي گرفت محاسبه شود تا دولت آن را نپردازد و توليدكنندگان نيز آن را با قيمت جديد به بازار عرضه كنند.» او گفت: «بازرسي وزارت بازرگاني از كارخانجات پخش طي اين چند روز افزايش يافت تا موجودي پودر شوينده مشخص شده و جلوي حيف و ميل يارانه گرفته شود.»
وي خاطرنشان كرد: «حذف يارانه پودر شوينده در حال حاضر تنها راه ممكن به نظر مي رسد و شايد دولت خواهان استفاده از اين يارانه در مسائل ديگر مانند مسائل بهداشتي مردم است.»

۱۳۸۷/۰۳/۰۸ ,

جبهه مشاركت: روزهاي سختي در انتظار اقتصاد ايران است

امروز: جبهه مشاركت با انتشار بيانيه اي به مسائل كنوني اقتصاد كشور پرداخته است. در ادامتن كامل اين بيانيه مي آيد:

از زمان روی کار آمدن دولت نهم تاکنون جبهه مشارکت به مناسبت های مختلف به ارائه تحلیل از وضعیت اقتصادی کشور و پیش بینی های خود نسبت به پیامدهای منفی سیاست های متخذه توسط این دولت پرداخته و هشدارهای لازم را داده است. متاسفانه عدم توجه به این هشدارها و دیگر نظرات و انتقاداتی که از سوی کارشناسان با تجربه کشور بیان می شد و نمونه بارز آن در قالب دو نامه سرگشاده جمعی از اقتصاددانان به رئیس جمهور بازتاب عمومی یافت باعث بوجود آمدن وضعیتی در شرایط حاضر شده است که صدای اعتراض همه و ازجمله برخی مراجع تقلید و عالمان دینی و حتی چهره های شاخص همفکر و همراه با دولت را نسبت به مسئله گرانی و تورم و شکاف طبقاتی و فقر درآورده است و این در حالی رخداده که رئیس دولت نهم بزرگترین رسالت دولتش را تحقق عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت معیشتی و اقتصادی اقشار محروم و متوسط و بردن در آمد نفت به سر سفره های مردم اعلام کرده است.

جبهه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه‌ای که زمستان سال۸٤ درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ انتشار داد، اعلام کرد:«علی‌رغم مشکلات ساختاری اقتصاد ایران و عقب‌ماندگی از قافله اقتصاد جهانی و وجود نرخ بیکاری و تورم نامطلوب، دولت نهم در حالی اداره قوه مجریه را از دولت خاتمی تحویل گرفت که روند شاخص‌های کلان اقتصاد کشور در سایه سیاست‌های دولت خاتمی و مجلس ششم روندی رو به بهبود را نشان می‌داد. در کنار ساخت زیربناهای توسعه، دستیابی به نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه (۸٤-۷٦) ٤/٦ درصد، نرخ تورم سالانه ۱۵/۵ درصد، افزایش کم‌سابقه ذخایر ارزی کشور تا ۳۵ میلیارد دلار، تمهید حساب ذخیره ارزی برای تبدیل ثروت نفت به سرمایه‌گذاری و تولید و تحویل ذخیره‌ای معادل ۱۰ میلیارد دلار به دولت نهم، با یادآوری اینکه قیمت نفت در زمان تحویل دولت به خاتمی در سال ۷٦ در حدود بشکه‌ای ۹ دلار بوده است و افزایش درآمد سرانه ایرانیان از ۱۸۰۰ دلار در سال ۱۳۷٦ به ۲۳۰۰ دلار در سال ۱۳۸۳، شواهدی مستند و غیر شعاری برای ارزیابی واقعیت‌ها است. در عین‌حال که به دلیل رویکردهای کلی دولت خاتمی در عرصه داخلی و خارجی و به دلیل تحولات پیرامونی ایران، کشور به لحاظ موقعیت بین‌المللی و منطقه‌ای در شرایط بسیار مناسبی قرار گرفته بود و در سایه همین شرایط و با تکیه بر تجربیات اجرایی سال‌های پس از پیروزی انقلاب و سه برنامه توسعه، نظام تصمیم‌گیری کشور در عالی‌ترین سطوح به تدوین و تصویب و ابلاغ «سند چشم‌انداز توسعه ۲۰ ساله» و «قانون برنامه چهارم توسعه» پرداخت. دولت جدید در اولین سال اجرایی برنامه چهارم و در حالی که شرایط بازار جهانی نفت درآمد بی‌سابقه در تاریخ اقتصادی کشور یعنی ۵۰ میلیارد دلار در سال ۸٤ را به ارمغان آورده است، عهده‌دار مسؤولیت اداره کشور شده است و همه اجزاء صغیر و کبیر حکومت نیز همراه و پشتیبان قوه مجریه هستند، اکنون باید دید که این لایحه چه نسبتی با سند چشم‌انداز توسعه و قانون برنامه چهارم از یک سو و از سوی دیگر با شعارهای«عدالت محوری»،«مبارزه با فقر و تبعیض» و بردن درآمد نفت بر سر سفره‌های مردم دارد. به علاوه از یاد نباید برد که ائتلاف اقتدارگرایان حاکم در همه سال‌های پس از دوم خرداد ۷٦ و در چالش با سیاست‌های اصلاح‌طلبان بر اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی و فرهنگی تأکید داشته‌اند و با داعیه آبادگری و حل مشکلات اقتصادی و رفع فقر و دغدغه معیشت مردم در مقام رد سیاست‌های گذشته بر می‌آمده‌اند.»

جبهه مشارکت در ارزیابی اولیه خود از لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ آورده بود:«به طور خلاصه نتیجه اجرای این بودجه برای کشور وابستگی بیشتر به درآمد نفت، واردات بی‌رویه و ضربه جبران ناپذیر به تولید از طریق تزریق ارز نفتی ارزان، گسترش بیکاری، رشد نقدینگی و بالا رفتن تورم، تزریق ریال نفتی و افزایش درآمد بادآورده به ویژه برای صاحبان قدرت و ثروت و ته‌مانده‌ای برای اقشار کم‌درآمد و افزایش فاصله طبقاتی خواهد بود. قابل توجه است که سند چشم‌انداز توسعه و برنامه چهارم از اعتبار قانونی برخوردارند و تا زمانی که قانون برنامه با طی مسیر مشخص آن دستخوش تغییر و دگرگونی نشده است، دولت ملزم به رعایت آن در تدوین لایحه بودجه می‌باشد، اما با کمال تأسف ادامه بی‌توجهی به حاکمیت قانون در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به حوزه اقتصاد نیز سرایت کرده است و لایحه بودجه ۸۵ چه به لحاظ محتوایی و چه به لحاظ کمی در عدم انطباق کامل با قانون برنامه چهارم تدوین و به مجلس پیشنهاد شده است. این لایحه از سوی دیگر در شرایط خطیر منطقه‌ای و بین‌المللی به گونه‌ای تنظیم شده است که آسیب‌پذیری کل اقتصاد در مقابل شوک‌های نفتی و صادارت نفت را بالا برده است...»

جبهه مشارکت ایران اسلامی بار دیگر طی بیانیه ای در ارزیابی خود از عملکرد اقتصادی دولت نهم و مجلس هفتم در زمستان سال ۸۵ و در ارتباط با لایحه بودجه سال ۸٦ اعلام کرد :« ما به جد هشدار می‌دهیم که وضعیت اقتصاد ایران و بودجه عمومی دولت در مسیر بحرانی قرار گرفته است و در صورت ادامه این روند باید منتظر حوادث غیرقابل پیش‌بینی و خسارت‌بار بود. امواج سیل فزاینده نقدینگی بر سر اقتصاد ایران که طی دو سال ۸٤ و ۸۵ دو برابر شده است، بیشترین فشارهای اقتصادی(گرانی و تورم و بیکاری) و خرابی را بر سر اقشار فقیر و متوسط جامعه فرود می‌آورد، همانانی که قرار بود نفت بر سر سفره‌هاشان برود و سفره‌هاشان رنگین شود ! در سایه عملکرد اقتصادی جناح حاکم هزینه کل درآمد نفت نه تنها نشانه‌ای از «عدالت محوری» را به همراه نداشته، بلکه بر دامنه شکاف طبقاتی در جامعه افزوده و کمر اقشار فقیر و متوسط را در زیر بار هزینه‌های زندگی خم کرده است و همچنان جامعه ما از فقر و فساد و تبعیض رنج می‌برد و چشم به آینده دوخته است. »

جبهه مشارکت با تاسف از اینکه پیش بینی های مبتنی بر دانش اقتصادی و کارشناسی اش مورد توجه دولتمردان حاکم قرار نگرفته و تحقق یافته است،و همچنانکه در بیانیه منتشره زمستان ۸۶ در باره لایحه بودجه سال ۸۷ این پیش بینی ها را متذکر شدیم و متاسفانه بازهم مورد توجه اکثریت راه‌یافتگان به مجلس هفتم قرار نگرفت و آنها با افزایش ارقام بودجه بر طبل روند افزایشی تورم در اقتصاد ایران کوبیدند، نکته قابل توجه اینکه در ازاي این افزایش بودجه همیشه اصرار بر القاي این نظر بوده که افزایش ارقام بودجه به دلیل افزایش بودجه عمراني و حجم سرمایه گذاري در کشور بوده است در حالي که با توجه به افزایش قیمت ها بدلیل تورم، عملاً امکان تأمین منابع (با درنظرگرفتن قدرت خرید) لازم به دلیل افزایش هزینه ها به ویژه در مصالح ساختماني بیش از نصف کاهش یافته و لذا عملاً بودجه عمراني با توجه به قیمت واقعی افزایش قابل توجهي نسبت به سال ۸۳ نداشته است، در سایه آمارهای منتشره از سوی بانک مرکزی در مورد ارقام شاخص های کلان اقتصادی کشور به ویژه شاخص تورم به رغم برخوردای از درآمد افسانه ای نفت در سه سال گذشته، که بالغ بر ۲۰۰ میلیارد دلار می شود (بیش از درآمد دوره هشت ساله خاتمی)، پیش بینی روزهای سختی را برای اقتصاد ایران می کند و اگر چالش های موجود بر سر پرونده هسته ای و سیاست خارجی و مواجهه با قدرت های اقتصادی و اعمال تحریم ها و خشکسالی را هم براین موضوع بیفزاییم به جد باید نگران وضعیت اقتصادی کشور و معیشتی مردم در سال پیش رو بود. اینکه رئیس دولت نهم و رئیس مجلس و افراد مسئول در این دوقوه یگدیگر را عامل رخداد تورم و گرانی معرفی و ازوضعیت بد اقتصادی کشور گلایه و انتقاد نمایند و دراین میان به جای پاسخگویی به شهروندان با دادن آدرس غلط مافیاهای ناشناخته اما پرنفوذ و مفسدان ریز و درشت اقتصادی به نوعی فرافکنی و توجیه وضعیت پیش آمده روی آوردند ولی همچنان بر اجرای سیاست های اشتباه و شکست خورده اصرار ورزند جز اینکه نمک بر زخم های اقتصادی اقشار فقیر و متوسط بپاشند دردی را دوا نمی کند ! پمپاژ نقدینگی ناشی از افزایش بودجه کل کشور (در سه سال نزدیک به سه برابر نسبت به سال ۸۳) و بودجه عمومی دولت (۲/۳ برابر نسبت به سال ۸۳) با تبدیل ارزهای نفتی به ریال و دادن وام های ارزان قیمت بانکی با توجیه راه اندازی بنگاه های اقتصادی زود بازده همراه با گسترش دامنه اقتصاد دولتی(سرمایه گذاری جدید بیش از صد هزار میلیارد تومان در شرکت های دولتی در برابر واگذاری ۱۵ هزار میلیارد تومان سهام این شرکت ها با احتساب سهام عدالت در سه سال گذشته) و گذشتن رقم واردات از مرز ۵۰ میلیارد دلار آنچنان بهمنی را بر سر اقتصاد ایران آوار کرده است که کمترین نشانه اش ابتلای به بیماری هلندی و افزایش سرسام آور قیمت زمین و مسکن و اجاره است و قطعا اگر دولت و بانک مرکزی در اجرای قانون بودجه سال ۸۷ دقت و توجه لازم را مبذول ندارند و انضباط سخت مالی و پولی را رعایت نکنند و به اصلاح سیاستهای اشتباه و متناقض گذشته نپردازند و به تدبیر مجموعه ای همساز از سیاست های اقتصادی و سیاسی مرتبط با هدف مهار و کاهش تورم و راه اندازی چرخ سرمایه گذاری و تولید روی نیاورند، این بهمن همچنان به حرکت تخریبی خود ادامه خواهد داد و وضعیت اقتصادی کشور را به نقطه بحرانی و غیر قابل پیش بینی خواهد رساند. متاسفانه باید اذعان کرد انحلال سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تدریج دارد خلا سازمانی این مغز متفکر و کارشناسی را دراداره امور به نمایش می گذارد چرا که اگر این سازمان فعال بود با دادن هشدارهای لازم و به موقع از فرو رفتن دولت و اقتصاد کشور به این وضعیت جلو گیری می کرد.

جبهه مشارکت ایران اسلامی با توجه دادن همه مسئولان اداره کشور به وضعیت کنونی اقتصاد و مرور ارقام شاخص های کلان اقتصادی و اینکه بدلیل درآمد بالای نفت در سه سال گذشته ما بهترین فرصت ها را برای اصلاح ساختار و جهش اقتصادی داشته ایم نگرانی عمیق خود را از ادامه روند افزایشی شاخص تورم، که از اوایل سال ۸۵ به این سو شکل گرفته است، اعلام داشته و نسبت به پیامدهای زیان بار آن در افزایش شکاف طبقاتی و فشار اقتصادی بسوی اقشار فقیر و متوسط و دامن زدن به آسیب های اجتماعی و...و دریک کلام دوری از عدالت اجتماعی به عنوان هدف غایی انقلاب اسلامی هشدار می دهد. آنانی که در همه دوران اصلاحات دولت خاتمی را در پاسخگویی به مطالبات اقتصادی و معیشتی مردم ناکارآمد معرفی می کردند و اصلاح طلبان را نسبت به معیشت مردم بی توجه می دانستند و با همین حربه حاکمیت یک دست خود را بر قوا و نهادهای کشور برقرار کردند اینروزها باید پاسخگوی آن همه مدعاها و شعارها و وعده های خود باشند و بجایی متهم کردن یکدیگر و دادن آدرس غلط به داد مردم محروم و متوسط،که از این وضعیت بیشترین آسیب را دیده و سلامت زندگی شان به خطر افتاده است، برسند. هرچند رئیس دولت نهم مدیریت اداره جهان را در سال جاری در دستور کار خود قرار داده است اما از قدیم گفته اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است، و آنچه انتظار می رود و منطقی است اینکه ایشان در ابتدا خانه خود را بخوبی مدیریت و تدبیر کنند تا آنگاه در ادعایشان برای مدیریت جهان پشتوانه ای داشته باشند و همه نگرانی ما این است که با طرح چنین مدعایی اهل خانه از دست روند! و انقلاب و نظام پشتوانه اصلی خود را که مردمند از دست دهد.

یکشنبه ۵ خرداد ۱۳۸۷ ساعت ۰۹:۰۰